



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۱۵۲

دوشنبه ۵ آبان ۱۴۰۴، ۲۷ اکتبر ۲۰۲۵

اعتصاب قزل حصار و پیشروی جنبش علیه اعدام

کاظم نیکخواه

یک تحول مهم در اوضاع سیاسی ایران، شکل‌گیری یک جنبش همه‌جانبه و عمیق ضد اعدام است. حکومت اسلامی حکومتی است که ایدئولوژی، سیاست‌ها، سنت‌ها، ساختار و تار و پودش بر اساس اعدام و ترور و قتل و کشتار شکل گرفته است. این را همه مردم می‌دانند و با تمام وجود طی این چهل سال لمس کرده‌اند. در مقابل چنین حکومتی مدت‌هاست که یک جنبش فراگیر و اجتماعی علیه اعدام شکل گرفته است که بسیار قابل توجه و انسانی و پیشرو است. این جنبش است که به کل اوضاع سیاسی این کشور گره خورده و از این اوضاع سرچشمه گرفته است و در نتیجه خصوصیات جالب توجهی دارد. اینجا می‌خواهم بیش از هر چیز بر اعتصاب اخیر زندانیان قزل حصار متمرکز شویم.

اعتصاب زندانیان "عادی" زندان قزل حصار در هفته‌های اخیر با خواست لغو اعدام، یکی از نمونه‌های پیشروی جنبش علیه اعدام است. این زندانیان محکوم به جرائم مرتبط با مواد مخدر، قتل، قاچاق و امثال اینها هستند و معمولاً در همه‌جا جایگاه پایینی از نظر اجتماعی دارند. در شرایط سیاسی ایران از این نظر هم اوضاع فرق می‌کند. زندانیان عادی هم سیاسی هستند. بسیاری از آنها با معیارها و استانداردهای بین‌المللی جرمی مرتکب نشده‌اند. بسیاری از آنها زیر شکنجه ناچار به اعتراف به جرائم مختلف شده‌اند. بسیاری از آنها به دلیل عدم وجود تأمینات اجتماعی ناچار به دست‌زدن به اقداماتی برای تأمین حداقل معاش خود شده‌اند که جرم محسوب می‌شود. کندوکاو در مورد ترکیب و وضعیت این زندانیان و کلاً سیستم قضائی جمهوری اسلامی موضوع بحث مفصل و جداگانه‌ای است. نکته اساسی‌ای که اینجا می‌خواهم اشاره کنم این است که در ایران این جدایی میان جامعه و زندانیان عادی که در همه جای دنیا وجود دارد از بین رفته است. زندانیان عادی را هم مردم بخشی از جامعه می‌دانند و از حقوق انسانی آنها حتی آنها که جرمی مرتکب شده‌اند در مقابل حکومت دفاع می‌کنند. این بازتاب اوضاع سیاسی ایران و جنبش انسانی و عمیق سرنگونی علیه جمهوری اسلامی است.

اعتصاب زندانیان قزل حصار این حکم را به‌خوبی اثبات می‌کند. نفس دست‌زدن زندانیان عادی به یک حرکت و اعتراض اجتماعی خود امری اگر نه بی‌سابقه حداقل کم‌سابقه است که نشان می‌دهد این جامعه در تمام سطوحش متشکل و دارای پیوند اجتماعی است. ۱۵۰۰ زندانی این زندان از ۲۰ مهرماه دست به اعتصاب غذا زدند و هر روز خبر اعتصاب آنها و خواست لغو اعدام توسط آنها از درون زندان به بیرون درز می‌کرد. بعد از

یک هفته در ۲۷ مهرماه با عقب‌نشینی نسبی

حکومت و وعده اصلاح قانون اعدام،

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

عقب‌نشینی حکومت و پایان اعتصاب غذای ۱۵۰۰

زندانی قزل حصار

صفحه ۲

قرار در مورد هزینه‌های اتمی، نیروهای نیابتی،

مذهب و سرکوب

مصوب دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری

صفحه ۲

کنفرانس اسلو و انتقادات بی‌مایه

گفت‌وگو با حمید تقوایی

صفحه ۳

در حاشیه کنفرانس اسلو، پاسخی به منتقدین

اصغر کریمی

صفحه ۵

اعتراضات جاری و سرنگونی جمهوری اسلامی

یک سؤال از شهلا دانشفر

صفحه ۶

افشای مراسم عروسی دختر شمخانی

بازتاب اوضاع رژیم

مهران محبی

صفحه ۸

سرتان پایین است و دیگر آرامشی ندارید!

اصغر کریمی

صفحه ۹

معرفی کتاب

صفحه ۱۰

اطلاعیه‌های هفته اخیر

صفحه ۱۱

ادامه در صفحه ۴

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

عقب‌نشینی حکومت و پایان اعتصاب غذای ۱۵۰۰ زندانی قزل حصار

نویسندگان و تشکلهای سیاسی و شخصیت‌های مختلف از آن اعلام حمایت کردند و در رسانه‌ها بسیار انعکاس یافت. این حرکت به‌ویژه از این نظر که یک سنت اتحاد گسترده اجتماعی را نشان می‌دهد که تمام بخش‌های اجتماعی حتی از درون زندان‌های عادی، متحدانه علیه حکومت می‌ایستند، و به طور جمعی اعتراض می‌کنند، و برخلاف انتظار حکومت که تصور می‌کرد مردم نسبت به اعدام زندانیان عادی بی‌تفاوت‌اند، دیگر بخش‌های جامعه وسیعاً از آنها حمایت می‌کنند، بسیار مهم است. جنبش علیه اعدام با حرکت زندانیان قزل حصار یک گام اساسی به‌پیش رفت و باید امیدوار بود که بتوانیم با ادامه اعتراضات اجتماعی، مجازات شکنج و ضدانسانی اعدام را کاملاً متوقف کنیم. این یک گام مهم در پیشروی جنبش سرنگونی است.

زندانیان جرائم عادی در واقع قربانیان سیستم حاکم و حکومت اسلامی هستند و هیچ‌کدام از احکام صادر شده علیه آنها توسط قوه قضائیه حکومت اسلامی اعتبار ندارد. حزب کمونیست کارگری بر اتحاد مبارزاتی سراسری علیه اعدام و برای جمع کردن بساط کشتار و جنایت حکومت تأکید می‌کند.

حزب کمونیست کارگری

۲۸ مهر ۱۴۰۴ - ۲۰ اکتبر ۲۰۲۵

۱۵۰۰ زندانی واحد ۲ زندان قزل حصار که از ۲۰ مهرماه برای لغو صدور و اجرای احکام اعدام و علیه مجازات اعدام در اعتصاب غذا به سر می‌بردند، در شامگاه ۲۷ مهرماه، بعد از حدود ۷ شبانه‌روز، با عقب‌نشینی نسبی حکومت، اعتصاب خود را پایان دادند. هیئتی متشکل از نماینده‌های از قوه قضائیه، مسئولانی از سازمان زندان‌ها و رئیس زندان قزل حصار در دیداری با نمایندگان زندانیان اعتصابی وعده داده‌اند که اعدام‌ها در زندان قزل حصار برای چند ماه متوقف خواهد شد تا قانون مجازات اعدام در مجلس مورد بررسی قرار گیرد. هم‌زمان شماری از زندانیانی که برای اجرای حکم اعدام به سلول انفرادی منتقل شده بودند، مجدداً به بند عمومی بازگردانده شدند. زندانیان نیز بر اساس همین وعده‌ها تصمیم گرفتند به اعتصاب خود به طور موقت پایان دهند. بنا به گزارشات نماینده قوه قضائیه جمهوری اسلامی گفته است "من از طرف قوه قضائیه و سازمان زندان‌ها قول می‌دهم که تا چند ماه آینده هیچ اعدامی انجام نخواهد شد و در این مدت برای اصلاح قانون اعدام اقدام می‌کنیم".

اعتصاب زندانیان منتسب به جرائم عادی یک حرکت بسیار مهم در شرایط کنونی بوده است که بازتاب بسیار وسیعی در سطح کشور و در خارج از مرزها داشته است. تشکلهای مختلف کارگری و بازنشستگان و

حکومت اسلامی نابود باید گردد!

قرار در مورد هزینه‌های اتمی، نیروهای نیابتی، مذهب و سرکوب

مصوب دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری، ۴ آبان ۱۴۰۴، ۲۷ اکتبر ۲۰۲۵

۳- مبارزه برای تحقق این موارد، حرکتی است در راستای سرنگونی جمهوری اسلامی و نفس شکل‌دادن به یک جنبش توده‌ای حول آن، تعرضی سیاسی به حکومت است؛ تعرضی که مشروعیت رژیم و نهادهای سرکوب، نهادهای مذهبی و سیاست‌های منطقه‌ای و تروریستی آن را بیش از پیش تضعیف کرده و به تقویت جنبش سرنگونی منجر خواهد شد.

۴- حزب کمونیست کارگری کلیه تشکلهای و نهادهای مردمی، همه کارگران و معلمان، بازنشستگان و کادر درمان، دانشجویان، زنان و جوانان، هنرمندان، وکلا، نویسندگان، روزنامه‌نگاران و ورزشکاران مردمی را فرا می‌خواند که در شکل‌دهی به یک گفتمان عمومی و جنبشی گسترده حول این مسئله، پیگیرانه نقش ایفا کنند.*

۱- جمهوری اسلامی سالانه میلیاردها دلار از ثروت‌های عمومی جامعه را صرف نیروهای نیابتی‌اش در منطقه، برنامه‌های هسته‌ای و موشکی، ارگان‌های سرکوب یا مؤسسات مذهبی خود می‌کند. علاوه بر این، صدها میلیارد دلار از اموال عمومی جامعه توسط آیت‌الله‌ها، آقازاده‌ها، مقامات کشوری و لشکری یا باندهای مافیایی وابسته به حکومت، از طریق اختلاس، رانت و مصادره به شکلی بی‌وقفه غارت می‌شوند.

۲- حزب کمونیست کارگری ایران اعلام می‌کند، تمامی بودجه‌هایی که صرف پروژه‌های هسته‌ای، موشکی، نیابتی، دستگاه‌های سرکوب و نهادهای مذهبی می‌شود، باید قطع شود و تمام اموال به‌غارت‌رفته مردم توسط مافیای حاکم پس گرفته شود و صرف غنی‌سازی زندگی مردم و امور رفاهی جامعه شود.

کنفرانس اسلو و انتقادات بی‌مایه

گفت‌وگو با حمید تقوایی



در شرایط امروز که اعدام‌ها در ایران بیداد می‌کند حرکت مثبت و بسیار بجایی بود. در روز دوم کنفرانس پیش‌نویس سند دیگری هم در مورد اصول حداقلی حقوق بشر- در دوره گذار مورد بحث قرار گرفت و پیشنهادهای برای تغییر و تکمیل برخی بندهای آن مطرح شد که قرار شد برگزارکنندگان کنفرانس متن نهایی را تهیه کنند و به اطلاع شرکت‌کنندگان در کنفرانس برسانند. امیدوارم در این مورد هم بتوانیم بیانیه مشترکی منتشر کنیم.

انترناسیونال: پس از برگزاری کنفرانس اسلو، نیروهای از چپ و راست اپوزیسیون به نفس برگزاری آن نقدهایی را مطرح کردند. از ایرادگرفتن به محل برگزاری کنفرانس توسط برخی نیروهای چپ تا اتهام برگزاری کنفرانسی صرفاً علیه رضا پهلوی و سلطنت از سوی جناح راست. نظر شما در مورد این انتقادات یا بهتر بگوییم مخالفت‌ها چیست؟

حمید تقوایی: نیروهای راست اساساً از دو جنبه به مخالفت با کنفرانس برخاسته‌اند. جنبه اول اینکه معتقدند کنفرانس، رضا پهلوی را دور زده است و اصلاً به همین منظور برگزار شده است! ظاهراً دنیای سیاست حول "شاهزاده" می‌گردد! این نوع خودبزرگ‌بینی شاید تنها با خودبزرگ‌بینی‌های ترامپ قابل مقایسه باشد. هر چه باشد الگوی آنها کینگ ترامپ است و اگر جز این می‌کردند جای تعجب بود.

جنبه دوم مخالفت سلطنت‌طلب‌ها با هر حزب و نیرویی است که نسب خود را به ملیتی غیر از فارس برساند. بهانه هم حفظ تمامیت ارضی است. درحالی‌که هیچ نیروی جدایی‌طلبی در کنفرانس وجود نداشت، سلطنت‌طلب‌ها آن را تجمع "تجزیه‌طلبان" می‌نامند و به سیاق همیشه علیه شیخ تجزیه‌طلبی و به‌خطرافتادان تمامیت ارضی چماق دور سر می‌گردانند. تجزیه‌طلبی اتهام خودساخته‌ای است برای حمله نیروهای سلطنت‌طلب به هر حزب و نیرویی که ضد ستم و تبعیض ملی باشد. از نظر ناسیونالیسم عظمت‌طلب فارس مردم و نیروهای سیاسی در کردستان و آذربایجان و بلوچستان و دیگر مناطق مرزی یا "مرزبانان غیور" هستند و یا "تجزیه‌طلبان مقهور"!

آنچه در مخیله ناسیونالیسم فارس نمی‌گنجد این است که ستم و تبعیض ملی یک واقعیت تلخ جامعه ما است. واقعیت تلخی که باید با مبارزه برای حفظ کرامت و هویت انسانی همه مردم ایران، به‌عنوان شهروندانی متساوی‌الحقوق در همه زمینه‌ها و مستقل از هر نوع قوم و ملیت و مذهب و نژاد و هر خصوصیت اتنیکی دیگری، با آن مقابله کرد. دولت‌ها و نیروهای ناسیونالیست فارس در سراسر تاریخ معاصر ایران خود منشأ و عامل تحمیل انواع ستم‌ها و بی‌حقوقی‌ها به مردم مناطق مرزینشین بوده‌اند و چیزی طبیعی‌تر از این نیست که از برگزاری کنفرانسی که این ستم‌کهنه و مزمن را مورد بحث قرار می‌دهد برآشفته شوند و کف بر دهان آورند. به نظر من نفس حملات نیروهای راست به کنفرانس اسلو نشان‌دهنده حقانیت این کنفرانس است.

گروه دیگر منتقد کنفرانس اسلو نیروهای چپ و مدعی کمونیسمی هستند که خصوصیتشان منزله‌طلبی و گوشه‌نشینی است. محتوا و مضمون سخنرانی‌ها در این نشست و یا اطلاعیه مشترک کنفرانس علیه اعدام در انتقادات این دوستان جای چندانی ندارد. نفس برگزاری کنفرانس در اسلو، با این دلیل "کوبنده" که معاهدات امپریالیستی در آنجا منعقد

انترناسیونال: شما به‌تازگی به دعوت "سازمان حقوق بشر- ایران" در کنفرانسی در اسلو با عنوان "حقوق بشر در ایران پس از جمهوری اسلامی" شرکت کردید. در این کنفرانس برخی دیگر از رهبران احزاب و سازمان‌های اپوزیسیون نیز شرکت داشتند. هدف شما از حضور در این کنفرانس چه بود و تا چه اندازه به این هدف رسیدید؟

حمید تقوایی: هدف ما معرفی بیشتر اهداف و سیاست‌های حزب و روشن کردن راه‌های همراهی و همکاری با نیروهای سیاسی بود که با بخشی از این سیاست‌ها موافق‌اند.

در یک سطح عمومی شیوه ما استفاده از هر تریبون و گردهمایی و کنفرانس برای طرح نظرات و سیاست‌های حزب و تلاش برای همراه کردن نیروهای اپوزیسیون در جهت تحقق هر گوشه‌ای از این سیاست‌ها است. به‌ویژه در شرایط حاضر که جنبش گسترده زن، زندگی، آزادی در جریان است ما حاضریم با هر حزب و نیروی اپوزیسیون که خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی است به بحث و گفتگو بنشینیم و تلاش کنیم راهی برای همیاری در جهت تقویت و پیشبرد هرچه بیشتر جنبش زن، زندگی، آزادی و عرصه‌های مختلف آن نظیر جنبش علیه فقر و فساد، جنبش علیه اعدام، جنبش دادخواهی، آزادی زندانیان سیاسی و غیره بیابیم. ما هر نیرویی به هر اندازه برای تحقق هر بندی از برنامه حزب ما فعالیت و مبارزه کند را هم‌رزم خود می‌دانیم در عین اینکه انتقادات و تفاوت‌های استراتژیک و سیاسی خود با دیگر احزاب را نه‌تنها پرده‌پوشی نمی‌کنیم؛ بلکه همیشه صریح و روشن بیان کرده‌ایم. به‌عنوان نمونه ما نقد عمیقی بر فدرالیسم داریم و نقد خود را هم به اشکال مختلف بیان کرده‌ایم؛ ولی در همین نشست با چند حزب فدرالیست اطلاعیه مشترکی علیه احکام اعدام و نفس مجازات اعدام منتشر کردیم. اصل ما این است: نقد پیگیر برنامه و اهداف و سیاست‌هایی که با رفاه و آزادی و برابری و کلاً رهایی جامعه مغایر است، در عین همکاری عملی با همه نیروهای فعال در هر عرصه مبارزه علیه تبعیض و فقر و سرکوب و علیه جمهوری اسلامی.

شرکت ما در کنفرانس اسلو این اهداف را دنبال می‌کرد. این کنفرانس فرصت مناسبی بود برای طرح نظرات و سیاست‌های حزب بخصوص در رابطه با دوره گذار. من در پندی که سخنران بودم تاحدی که وقت اجازه می‌داد مبانی سیاست حزب را نه‌تنها در رابطه با دوره گذار که عنوان کنفرانس بود؛ بلکه در مورد آزادی بیان و نقد حزب به فدرالیسم توضیح دادم. همچنین نکاتی را هم در رابطه با صحبت‌های پنلیست‌های دیگر عنوان کردم. این صحبت‌ها منتشر شده و دوستان علاقه‌مند می‌توانند به آن رجوع کنند.

در مورد اینکه تا چه حد اهداف ما از شرکت در کنفرانس برآورده شد باید بگوییم در کل کنفرانس موفق بود. اولاً همه نیروهای شرکت‌کننده در یک فضای دوستانه و متمددانه نظراتشان را بیان کردند و مردمی که کنفرانس را دنبال می‌کردند و یا در آینده به مباحث آن رجوع می‌کنند با احزاب و چهره‌های شرکت‌کننده و تفاوت سیاست‌ها و اولویت‌های احزاب بیشتر آشنا می‌شوند. ثانیاً کنفرانس اطلاعیه مشترکی در حمایت از سه‌شنبه‌های نه به اعدام و علیه مجازات اعدام صادر کرد که بخصوص



اعتصاب قزل حصار و پیشروی جنبش علیه اعدام از صفحه نخست

اعتصاب این زندانیان پایان یافت.

نکته مهم این است که این اعتصاب بازتاب اجتماعی بسیار وسیعی یافت و مورد حمایت و پشتیبانی گسترده‌ای قرار گرفت. بخش‌هایی از بازنشستگان، تشکل‌های کارگری، زندانیان سیاسی، کانون نویسندگان، تشکل‌های زنان، جنبش دادخواهی، هنرمندان و دیگر بخش‌های جامعه از این حرکت دفاع کردند و صدای آنها را به اشکال مختلف بازتاب دادند.

در پاسخ به این حرکت، هیئتی از جانب قوه قضائیه حکومت اسلامی با زندانیان وارد مذاکره شد و قول داد که اعدام‌ها را به مدت سه ماه متوقف می‌کنند، و در اصلاح قانون اعدام طی این مدت تلاش خواهند کرد. شماری از زندانیانی که برای اجرای اعدام به سلول‌های انفرادی منتقل شده بودند نیز به بند عمومی بازگردانده شدند. با این وعده و عقب‌نشینی نسبی، زندانیان به اعتصاب خود عجالتاً پایان دادند و اعلام کردند در صورتی که خواست آنها مبنی بر توقف کامل اعدام عملی نشود، به اعتراضات خود ادامه خواهند داد. خوشبختانه موارد دیگری از تعویق یا لغو احکام اعدام نیز طی این هفته صورت گرفته است که یک نمونه آن لغو اعدام پنج زندانی سیاسی اهل بوکان مرتبط با انقلاب زن، زندگی، آزادی در زندان ارومیه و بررسی مجدد احکام آنها بود.

حرکت زندانیان عادی در کنار کارزار جهانی نه به اعدام، کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام توسط زندانیان سیاسی، اعتراضات مداوم

خانواده‌های محکومین به اعدام در مقابل زندان‌ها، کارزارهای ضد اعدام توسط نیروهای اپوزیسیون در کشورهای مختلف، یک پیشروی قابل توجه در اوضاع سیاسی ایران است و سازمان‌یافتگی گسترده اجتماعی را بازتاب می‌دهد و تأثیرات آن از یک کارزار مشخص بسیار فراتر می‌رود.

اعدام قتل عامدانه و نقشه‌مند و آگاهانه توسط دولت‌هاست. ارتکاب قتل توسط دولت از شناخت آن نه فقط کم نمی‌کند، بلکه کراهت آن را صدها بار بیشتر می‌کند. در ایران اما کراهت اعدام از این هم بسیار بیشتر است. حکومت اسلامی اعدام می‌کند تا آزادی‌خواهی را عقب براند. می‌کشد تا مردم حق طلب را عقب براند. می‌کشد تا دفاع از حقوق انسانی را عقب بزند. می‌کشد تا سرپا بماند. در مقابل، جنبش علیه اعدام در ایران یک جنبش انسانی، اجتماعی و فراگیر و عمیق است. در مقابل حکومت آدم‌کش اسلامی، دفاع از حق زندگی برای همه افراد و شهروندان در تاروپود این جامعه ریشه دوانده است و جنبش ضد اعدام می‌خواهد این امر را عملی کند. در واقع جنبش ضد اعدام بخشی از جنبش سرنگونی است. امروز در ایران جریانات سیاسی اپوزیسیون حتی آنها که زمانی با حرارت از اعدام دفاع می‌کردند، ناچار شده‌اند خود را مدافع اعدام معرفی کنند. در این کشور که اعدام سابقه‌ای تاریخی و دیرینه دارد و طی قرن‌ها توسط همه دیکتاتورها علیه مخالفان اعمال شده است، لغو اعدام یک پیشروی سیاسی و تاریخی و مهم است و اکنون با توجه به گسترش گفتمان ضد اعدام در جامعه می‌توان با اطمینان اعلام کرد که تحقق واقعی آن در چشم‌انداز نزدیک قرار گرفته است. قطعاً با سرنگونی جمهوری اسلامی یا در خلال سرنگونی آن، به دوره اعدام و ترور و قتل‌های دولتی پایان داده خواهد شد و به همراه لغو مجازات اعدام، کل فضای جامعه تحولی اساسی و انسانی پیدا خواهد کرد.*

کنفرانس اسلو و انتقادات بی‌مایه

از صفحه ۳

خود چرخیدن در این چپ مکتبی نهادینه شده است. امر این نوع چپ صرفاً موضع‌گیری آن‌هم برای تفسیر دنیا است و نه تغییر آن. موضع‌گیری‌ای که هر نیرو و حرکتی به‌جز خود و هم‌فکران خود را محکوم می‌کند، مدام نسخه چه نباید کرد می‌پیچد، و انزواطلبی و بی‌عملی خود را توجیه می‌کند. اساس مسئله این است که مبارزه برای تغییر دنیا به حضور فعال و دخالتگری در همه عرصه‌ها از مبارزات خیابانی تا کنفرانس‌ها و گردهمایی‌ها و غیره نیاز دارد که چپ مکتبی منزله‌طلب اهل آن نیست.

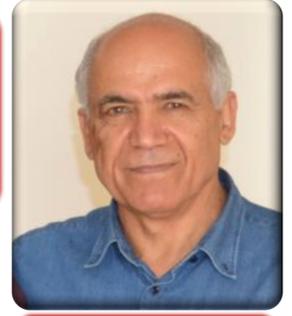
حرف آخر من با این دوستان این است: در مبارزه طبقاتی برای کسی فرش قرمز پهن نمی‌کنند. نیروهای سیاسی طبقات دارا در خانه نمی‌نشینند تا شما قدم رنجه بفرمایید و پا به میدان بگذارید! باید بورژوازی را در زمین خودش شکست داد. کمونیست‌ها موظف‌اند نه تنها در هر عرصه و علیه هر نوع تبعیض و بی‌حقوقی پیگیرانه مبارزه کنند؛ بلکه متحد و همراه‌کننده همه نیروهایی باشند که علیه هر گوشه‌ای از مصائب دنیا وارونه ما فعالیت می‌کنند. ایفای این نقش فعال و دخالتگر از جانب کمونیست‌ها، به‌ویژه در ایران امروز که جنبش عظیم زن، زندگی، آزادی در جریان است، برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و تحقق یک جامعه آزاد، برابر، مرفه و انسانی، برای تأمین یک زندگی درخور شأن انسان قرن بیست و یکم برای همه مردم ایران، امری مطلقاً تعیین‌کننده و حیاتی است.

۳ آبان ۱۴۰۴، ۲۵ اکتبر ۲۰۲۵

شده است، این ادعا که کنفرانس یک حرکت رژیم‌چنجی است، اینکه احزاب غیرکمونیست در این کنفرانس شرکت داشتند، اینکه دو شرکت‌کننده در کنفرانس اسلو حدود سه سال پیش در نشست جرج تاون نیز شرکت کرده بودند، اینکه حقوق بشر مقوله‌ای بورژوازی است، و مسائلی از این قبیل مورد اعتراض و نقد دوستان منزله‌طلب ما است. این نیروها را ما چپ پیادرو می‌نامیم چرا که حتی در اوج انقلاب زن، زندگی، آزادی اینان از شرکت در تظاهرات‌های هزاران نفره خودداری می‌کردند به این دلیل که پرچم شیر و خورشید در آن تظاهرات‌ها به چشم می‌خورد. دوستان در پیادرو جمع می‌شدند و در بین جمع کوچکی از خودی‌ها شعارهای خودشان را می‌دادند و احساس رادیکالیسم می‌کردند. آخرین نمونه این نوع رادیکالیسم کاغذی حمله آنها به تظاهرات علیه بازگشایی مسجد جمهوری اسلامی در هامبورگ بود. دوستان نه تنها به سیاق همیشه در این اعتراض شرکت نداشتند، بلکه به بهانه برافراشته شدن پرچم اسرائیل در آن حرکت، اعتراض و حمله به کل تظاهرات ضد مسجدی که پایگاه جمهوری اسلامی در آلمان است را امر خود قرار دادند. ظاهراً گفنی است در هر تظاهرات برحق پرچم یک دولت ارتجاعی بلند شود تا کل آن تظاهرات بی‌اعتبار گردد! از نظر دوستان عافیت طلب ما تظاهرات خیابانی علیه جمهوری اسلامی تنها با پرچم کمونیست‌ها و شرکت انحصاری کمونیست‌ها مجاز است و بس.

همین معیار مکتبی امروز به کنفرانس‌ها هم کشیده شده. به نظر اینان تنها باید با چپ‌ها نشست و برخاست کرد و هر حرکتی جز این سازش و راست‌روی و غیره محسوب می‌شود. متأسفانه با خود بحث کردن و دور

در حاشیه کنفرانس اسلو، پاسخی به منتقدین



اصغر کریمی

می‌شود. امر این چپ تغییر دنیا نیست، تفسیر دنیا است، آن هم تفسیری که بی‌عملی آنها را توجیه کند.

قرار بود کمونیست‌ها با سری بلند و احساس حقانیت و اعتماد به نفس بتوانند جواب هر مخالفی را بدهند، برای توضیح مواضع خودشان از هر تریبونی که امکانش باشد استفاده کنند و تفاوت راه‌حل‌های خود را بگویند و مردم بیشتری را به حقانیت نظرات خود مجاب کنند. اما این چپ این کاره نیست. باید خلوص ایدئولوژیکش را حفظ کند و بس. چنین ایدئولوژی‌ای هر چه باشد به مارکسیسم و کمونیسم ربطی ندارد.

اینکه کمونیست‌ها کنار غیر کمونیست‌ها، ناسیونالیست‌ها و غیره بنشینند خطایی نابخشودنی است. نجس می‌شوند. این سازش است. رفتن زیر پرچم راست است. بیانیه مشترک دفاع از سه‌شنبه‌های اعتصاب در زندان‌ها و علیه اعدام هم سازش است! کمونیست‌ها فقط باید با هم‌فکران خود سمینار بگذارند و در رسانه‌ها و تجمعات هم ظاهر شوند. هر اقدام مشترکی در زمینه آزادی زندانیان سیاسی هم اگر عنصر راست و لیبرالی در آن باشد مردود است حتی اگر پلاتفرم آن اقدام صددرصد کمونیستی باشد. فقط باید خود چپ‌ها که حرف هم را می‌فهمند در یک نشست شرکت کنند و جواب هم را بدهند. حتی برای جلوگیری از اعدام کسی که مثلاً سیاسی نیست یا کمونیست نیست هم نباید کارزار سازمان داد مگر خودی باشد. از حضور در این همه نهاد و شبکه که طیف‌های فکری و سیاسی مختلف حول مبارزه علیه اعدام یا دفاع از حقوق زنان و زندانیان سیاسی و غیره راه افتاده نیز باید پرهیز کرد. مگر نه اینکه در این نهادها و شبکه‌ها لیبرال و ناسیونالیست هم هست چطور ممکن است یکی که خود را کمونیست می‌داند با یک لیبرال یا ناسیونالیست در زمینه مثلاً آزادی زندانیان سیاسی همکاری کند!

نه، این چپ اهل کاری جدی نیست. اهل پیشبرد پلاتفرم‌های خود در خارج از هم‌فکران خود نیست. اهل تغییری در زندگی مردم نیست. اعتقادی به کار اجتماعی ندارد. لزومی به متحد کردن مردم معترض حول یک موضوع مشخص مبارزاتی نمی‌بیند. کمونیسم این چپ انسان‌گرا نیست. عقایدی برای خودش دارد که وظیفه همه عمرش پاسداری از آنها است. با این حال باید امیدوار بود که روزی این انسان‌های شریف که اکثر زندگی خود را هم وقف مبارزه می‌کنند، متوجه شوند که کمونیسم این نیست که مارکس این را نگفته است، که مبارزه اجتماعی با رفتار فرقه‌ای خوانایی ندارد، که کمونیست‌ها باید بتوانند در رأس مبارزات اجتماعی که طیف‌های مختلفی هم در آن شرکت دارند قرار گیرند. که باید بتوانند و تلاش کنند از تریبون‌های بورژوازی هم برای تفکرات خود بجنگند و در سمینارهای دیگران هم ظاهر شوند و حرف بزنند. حیف این نیرو است که به دلیل رویکردهای ایدئولوژیک و فرقه‌ای، از تأثیرگذاری بر مبارزات اجتماعی ناتوان است.*

به دنبال کنفرانس اسلو که با عنوان «حقوق بشر- در ایران پس از جمهوری اسلامی» برگزار شد نقدها به حمید تقوایی و ابراهیم علیزاده هم شروع شد. از طرف سلطنت‌طلبان و برخی جریان‌های چپ. من اینجا روی صحبت‌ها با منتقدین چپ است. نقدها واقعاً آعجاب آور و قابل تأسف است. قبلاً این نوع نقدها اساساً متوجه حزب کمونیست کارگری بود این بار دامن ابراهیم علیزاده و حزب کمونیست ایران را هم گرفته است.

منتقدین کاری به مضمون بحث‌ها ندارند. عکس‌هایی از سخنرانان دیده‌اند یا از محل کنفرانس مطلع شده‌اند و شروع به نقد کرده‌اند. برای نقد و بررسی این کنفرانس فقط همین کافی بوده است!

یکی از این دوستان عزیز کشوری که این گردهمایی در آن برگزار شده یعنی نروژ دیده و نقدش را نوشته است. مگر نه اینکه «دولت نروژ تا به حال در چند کیس از جمله در مورد فلسطین و کردستان محل پخت‌وپز برنامه‌های ناتوی بوده است.» پس این کنفرانس هم از برنامه‌های ناتوی است. سلطنت‌طلبان بی‌مایه در نقد کمونیست‌ها می‌گویند پس چرا در کشورهای سرمایه‌داری زندگی می‌کنید؟! این دوست گرامی هم عیناً استدلالش به سیاق سلطنت‌طلبان است. شاید از نظر او پاریس و لندن یا فرانکفورت و نیویورک و سیدنی جای پاک‌تری است و از طرح‌های ناتوی و غیره ناتوی خبری نیست و یا اصلاً باید چنین کنفرانس‌هایی را در کره دیگری برگزار کرد.

دوست گرامی دیگری حتی خنده حمید تقوایی و ابراهیم علیزاده در برابر مخالف سیاسی‌شان را نقض مبارزه طبقاتی خوانده است! باورکردنش مشکل است. شما باید وقتی مخالف سیاسی‌تان را می‌بینید تا جایی که ممکن است اذیتان را در هم بکشید و رویتان را برگردانید تا اصول مبارزه طبقاتی را حفظ کرده باشید!

بقیه نقدها نیز کم‌وبیش از همین جنس است، یعنی اساساً ترکیب سخنرانان این کنفرانس بی‌آنکه به مضمون مباحث و مصوبه کنفرانس کاری داشته باشند. اصلاً برایشان مهم نیست که مضمون مباحث و یا بیانیه مشترک این نیروها چه بوده است و چه موضع مشترکی گرفته‌اند. برای آنها هم‌صدایی و همراهی احزاب و نیروهای سیاسی در اعتراض به احکام اعدام و نفس مجازت اعدام هیچ اهمیتی ندارد، مهم این است که مرزهایشان مخدوش نشود.

گفته‌اند دو نفر از این چهارده نفر در کنفرانس جورج‌تاون هم بوده‌اند، پس این کنفرانس هم از همان جنس و ادامه همان است! نه فاکتی لازم است نه استدلالی. آیه‌هایی نازل می‌شود و شما مثل مؤمنین باید به آنها ایمان بیاورند. اینکه مردم چه تصویری از این چپ می‌گیرند و اینکه اگر روزی روگرایی این چپ در جایی قدرت داشته باشد چگونه با مخالفین و منتقدین خود برخورد می‌کند مشکل این چپ نیست. چون اساساً قرار نیست در مبارزه برای قدرت سیاسی حضوری داشته باشد. مهم این است که آتش معبدش را روشن نگه دارد.

این چپ قرار نیست تغییری در زندگی مردم ایجاد کند. قرار نیست مدعی قدرت برای تغییر باشد. این چپ اعتماد به نفسی ندارد. از رفتن به زمین مخالفان خود هراس دارد. آلوده می‌شود و ایدئولوژی‌اش خدشه‌دار

کارگر زندانی
آزاد باید گردد!

اعتراضات جاری و سرنگونی جمهوری اسلامی

یک سؤال از شهلا دانشفر



فقط علیه فقر بلکه برای شادی، رفاه و آزادی است و اعتراض علیه این سیستم سرپا تبعیض و نابرابری به مضمون سخنرانی‌های اعتراضی کف خیابانی آنها و کیفرخواستشان علیه ستم و استثمار و نابرابری‌های حاکم تبدیل شده است.

در همین راستا نهادهای کارگری و اجتماعی با بیانیه‌های مشترک و مستقل خود در رابطه با حادثه‌ترین مسائل سیاسی نقش مهمی در تعمیق گفتمان‌های جامعه داشته‌اند. از جمله بازنشستگان با شعارهای کوبنده خود در اعتراض به بساط آپارتاید جنسی حاکم و علیه بساط مافیایی و فساد حاکم و اعدام و زندان یک سنگر مهم حفظ دستاوردهای انقلاب زن، زندگی، آزادی بوده و در جایی مثل کرمانشاه بخش‌های مختلف آنان با تجمع مشترک و بزرگ هفتگی خود به فریاد اعتراض کل جامعه تبدیل شده‌اند.

معلمان نیز علی‌رغم قراردادن دائم زیر فشار سرکوب و زندان، در مناسبت‌های مختلفی جلوآمده و برای مثال از فراخوان‌دهندگان تجمعات روز جهانی کارگر بودند و در مبارزه علیه امنیتی کردن مبارزه و برپایی کارزارهای اجتماعی علیه سرکوب و اعدام نقش آفرین بوده‌اند. از سوی دیگر هم اکنون در صنعت نفت این مرکز کلیدی کارگری از سوی کارگران رسمی کارزار اعتصابات ساعتی شکل گرفته است و اعتراضات به سمت سراسری شدن در حرکت است. بازنشستگان نفت نیز با تجمعی که در همین هفته در مقابل وزارت نفت داشتند با فریاد "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد" بار دیگر پرچم اتحاد طبقاتی کارگر را برافراشتند و این اتفاقات توجه‌ها را به سوی خود جلب کرده است.

همچنین نانوایان که قبل از جنگ دوازده‌روزه حکومت با اسرائیل در کنار رانندگان کامیون با اعتراضات قدرتمند خود گفتمان اعتصابات سراسری را تقویت کردند، دارند دوباره به میدان می‌آیند و در اعتراض به مشکلات معیشتی و مافیای چپاولگر نانیو در این شهر و آن شهر شاهد تجمعاتشان هستیم و در اعتراضی که همین هفته در مشهد داشتند، علیه تبلیغات تفرقه‌افکنانه حکومت شعار دادند و مردم را به حمایت از اعتراضات خود فراخواندند. پرستاران و رانندگان کامیون نیز همین‌طور و با اولتیماتوم‌هایشان و تجمعاتشان در شهرهایی تحرکات دوباره‌ای پیدا کرده و اخطار به ازسرگیری اعتراضاتشان را داده‌اند. در کنار همه اینها تحرکات جدید اعتراضی در کانون‌های داغی چون نیشکر هفت‌تپه، فولاد اهواز، آلومینیوم‌سازی اراک و... توجه‌ها را به خود جلب کرده است و اینها مراکزی هستند که اعتراضات کارگران تأثیر مستقیم بر فضای شهر دارد.

طبعاً این اعتراضات محدود به بخش‌های مختلف کارگری نیستند. بلکه بخش‌های مختلف جامعه را در بر می‌گیرند. از جمله با آغاز سال تحصیلی جدید اعتراضات در دانشگاه‌ها استارتش زده شد و دامنه‌اش بیشتر شده است. در اخبار از مدارس نیز می‌شنویم که در این مدرسه و آن مدرسه مدیری به‌خاطر پخش موزیک و رقص و شادی دانش‌آموزان مورد اخطار و یا اخراج قرار گرفته است و یا به طور مثال جنبش مال‌باختگان در این بساط دزدسالار حاکم به اعتراضی هر روزه تبدیل شده که کل بیت رهبری و باندهای مافیایی حاکم را به چالش می‌کشد. از طرف دیگر تخریب و نابودی محیط‌زیست را شاهدیم و اعتراضات بر سر آن و تجمعات مردم به‌خاطر بی‌آبی و بی‌برقی و ابربحران‌های اقتصادی‌ای که دامن‌گیر مردم شده است.

بنابراین، اگر به این تصویر نگاه کنید، می‌بینید که جمهوری اسلامی در چه حال و هوایی قرار دارد. به دنبال انقلاب مهسا جامعه یک لحظه آرام و قرار نداشته

انتر ناسیونال: بعضاً با خواندن مکرر

اطلاعیه‌های خبری حزب و سایر اخباری که از اعتراضات داخل، اعم از کارگری و غیره

می‌رسد، تصویری از یک جامعه در حال جوش و خروش به دست داده می‌شود. جامعه‌ای که اعتراض و اعتصاب از سر و کول آن بالا می‌رود و هر روز مشغول مبارزه با شرایط موجود است. اولین سؤالی که با مشاهده این تصویر به ذهن خطور می‌کند این است که چرا علی‌رغم این شرایط، جمهوری اسلامی هنوز سر پا است؟ چرا این حجم بالای از اعتراض برای سال‌های متمادی نتوانسته موجب سقوط نهایی حکومت شود؟ گره اصلی کجاست؟

شهلا دانشفر: جمهوری اسلامی سرپا است؛ اما در سراسیمه سقوط. همانطور که اشاره کردید اعتراض و اعتصاب از سر و کول جامعه بالا می‌رود و برای اینکه به سؤال شما برسم لازم است ابتدا تصویری از همین فضای اعتراضی‌ای که صحبتش را کردید بدهم.

به نظر من سومین سالگرد انقلاب زن، زندگی، آزادی و شعاردهی‌های شبانه مرگ بر دیکتاتور و زن، زندگی، آزادی نبض اعتراضی جامعه را به روشنی تصویر کرد. همه متفق القول هستیم که خاکریز حجاب فتح شده و اکنون این کل بساط آپارتاید جنسی حاکم است که مورد چالش هر روزه مردم است و از جمله هر روزه اخبار قهوه‌پارتی‌ها و رقص مختلف زن و مرد در این شهر و آن شهر و آوازخوانی زنان در خیابان و اعتراضاتی از این دست را می‌شنویم. این‌ها همه به معنای نابودی زیرساخت اساسی این حکومت است. درعین حال جامعه می‌رود که خاکریز اعدام را نیز فتح کند. از جمله اعتصاب غذای هزار و پانصد زندانی جرایم عادی در هفته‌ای که گذشت آن‌چنان ابعادی پیدا کرد که موجی از حمایت در ایران و در کشورهای مختلف جهان را همراه داشت و به نقطه عطفی در جنبش علیه اعدام تبدیل شد. قدرت این اعتراض به حدی بود که حکومت ناگزیر شد قدمی عقب بنشیند و با وعده توقف چندماهه اعدام‌ها و بررسی قانون مجازات اعدام در مجلس، زندانیان به اعتصاب خود پایان دادند. این موفقیت یک قدم مهم در جهت فتح خاکریز اعدام بود که امروز زندانیان و کل جامعه بر آن هم‌عهد هستند و در بیانیه "کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام" که هفته نود و یکم خود را در پنجاه و دو زندان کشور پشت سر گذاشت، با تأکید بر تداوم کارزار تا توقف کامل اعدام‌ها، نوشته شد: "حکومت اعدای ترسان از قیام و انقلاب با سرکوب بی‌رحمانه تلاش می‌کند صدای فریاد و خیزش مردم در شهرهای ایران را خاموش کند. اما زهی خیال باطل! زندانیان محکوم به اعدام قزل‌حصار و خانواده‌هایشان نشان دادند که چیزی برای از دست دادن ندارند و اراده کرده‌اند چوبه‌های دار و مناسبات استبدادی را یکجا واژگون کنند."

جدالی چنین اجتماعی علیه اعدام و زندان تلاشی از سوی مردم برای نجات جان انسان‌ها و درعین حال عقب زدن حکومت و هموارکردن مسیر پیشروی اعتراضات و به پیروزی رساندن انقلاب ناتمام ماست.

از سوی دیگر جنبش بر سر معیشت ابعادی اجتماعی پیدا کرده و نه فقط علیه فقر و بی‌تامینی بلکه علیه کل بساط چپاول و غارت و تبعیض طبقاتی سرمایه‌داری وحشی حاکم است و طبقه کارگر یک رکن مهم این جنبش برای جمع کردن این بساط توحش و بردگی است. برای مثال امروز شعارهایی چون فاصله طبقاتی لغو باید گردد، مدارس طبقاتی لغو باید گردد از نمونه شعارهایی است که در کف خیابان فریاد زده می‌شود. کارگر بازنشسته در تجمع اعتراضی‌اش فریاد می‌زند و می‌گوید اعتراض ما نه

اعتراضات جاری و سرنگونی جمهوری اسلامی از صفحه ۶

همچنین محرومیت از حق تشکل، تحزب، اجتماع و اعتصاب موانع بزرگی برای اتحاد مبارزاتی سراسری کارگران و کل جامعه بوده و هستند. اما هر کدام از خیزش‌های مردمی که پشت سر گذاشتیم سکوی پرشی برای جنبش سرنگونی بوده است. برای مثال فریاد شعار "اصلاح طلب، اصول گرا، دیگه تمامه ماجرا" یک نقطه عطف در جنبش سرنگونی و پالایش آن از هرگونه تردید و شکافی بود. شعاری که در سال ۹۸ به فریاد جمهوری اسلامی نابود گردد تبدیل شد و در ۱۴۰۱ مردم به خیابان آمدند و گفتند "این دیگه انقلابه به آن نگید اعتراض" و انقلاب زن، زندگی، آزادی نام گرفت و امروز جامعه راه به پیروزی رساندن آن را دنبال می‌کند. بعد از فوران انقلاب ۱۴۰۱ نیز ما شاهد سازمان‌یابی بیشتر جنبش زن، زندگی، آزادی و تعمیق آن هستیم و این سیر حرکت جامعه برای کنار زدن موانع و به پیروزی رساندن نهایی سرنگونی جمهوری اسلامی است.

تأکید من برای سرعت بخشیدن به این روند، سازماندهی صفوف انقلاب است. اتحاد مبارزاتی فعالین و اکتیویست‌های جنبش کارگری، اجتماعی و فعالین انقلاب زن، زندگی، آزادی حول خواست‌های رادیکال و پیشرو از جمله حول منشورهایی چون منشور بیست تشکل و علیه جنگ‌افروزی‌های حکومت و علیه اعدام زندان است، همچنین تأکید من بر تحزب است که به این اتحاد مبارزاتی و مضمون آن غنا می‌بخشد و دورنمای روشنی را مقابل مبارزات ما قرار می‌دهد. این سازمان‌یابی و اتحاد مبارزاتی مسیر آماده‌شدن جامعه برای شکل‌دادن به اعتصابات سراسری و رفتن به طرف فراخوان‌های سراسری اعتراضی است و مهم‌تر اینکه این حرکتی است که نه فقط صف انقلاب را قدرتمندتر می‌کند، نه فقط توان جامعه را در مقابله با بساط سرکوب و کشتار حکومت بالا می‌برد و آن را عقب می‌زند؛ بلکه جلوی آلت‌رناتیوسازی‌ها از بالای سر جامعه و به بیراهه بردن مسیر انقلاب را هم می‌گیرد و در حرکت به پیش خود آلت‌رناتیو اعمال اراده مستقیم خود مردم و حاکمیت شورایی را فراهم می‌کند.*

و بحث مردم به پیروزی رساندن انقلابشان است. جمهوری اسلامی در برابر فشار جامعه و شکست‌های سختی که متحمل شده و تشدید انزوای جهانی‌اش تا جایی که مکانیسم ماشه نیز فعال شد، در نقطه بسیار ضعیفی قرار گرفته و صفوفش از هر وقت در هم ریخته‌تر است. خود حکومتیان بر وضع نزار خود واقف‌اند و این وضعیت موضوع نزاع‌های هر روزه‌شان و نطق‌ها و خطابه‌هایشان است. پزشک‌ها در همین سخنرانی‌های اخیرش بود که گفت وضعیت آب و برق، پول ملی و گاز و همه این‌ها در لبه سقوط است و این گفته را بارها بر زبان آورده است.

با این تصویر برمی‌گردم به تأکید اولم که جمهوری اسلامی حکومتی در سراسر کشور سقوط است و جامعه در نقطه انفجار. یک انفجار اجتماعی که می‌خواهد به کل این بساط استثمار و بربریت و اعمال قدرت از بالای سر خود خاتمه دهد و در هر شعار و اعتراضش به طور واقعی سوسیالیسم را فریاد می‌زند. طبعاً زمان قیام را کسی نمی‌تواند از پیش تعیین کند. اما جامعه به آن سو در حرکت است.

اما برسیم به سؤال اصلی شما و اینکه چرا این حجم بالای از اعتراض برای سال‌های متمادی نتوانسته موجب سقوط نهایی حکومت شود؟ گره اصلی کجاست؟ پاسخ من این است که درست است که حکومت سرنگون نشده؛ اما در خیزش‌های انقلابی که صورت گرفته همانطور که اشاره کردم ارکان هویتی این حکومت ضربات سنگینی خورده و امروز جامعه در یک جنگ هر روزه برای به زیر کشیدن این حکومت است. اینکه چرا سقوط نهایی این حکومت طول کشیده اولین دلیل آن سرکوبگری‌های این حکومت آدم‌خوار و کودک‌کش و جنایت‌کار است.

اعدام شما را نجات نخواهد داد!

چهل سال است که مدام کشته‌اید و اعدام کرده‌اید. چهل سال است که عزیزان بسیاری را با بی‌رحمی از ما مردم گرفته‌اید. اما چه حاصلی جز فوران خشم ده‌ها میلیونی مردم داغ‌دیده و دادخواه را درو کردید؟ اعتراض و تجمع و اعتصابات از همه جا می‌جوشد. کارگران و پرستاران و دانشجویان و کشاورزان و دانش‌آموزان پیش‌ازپیش بر سر شما فریاد می‌زنند و تحقیرتان می‌کنند. گشت ارشادتان در برابر زنان جسور و آزاده دود شد. حجاب اجباری‌تان جلو چشمانتان زیر پاله شد. فریاد سرنگونی از همه جا حتی در درون زندان‌ها طنین‌انداز است. گسترده از قبل پیاپی می‌خیزیم! دست‌به‌دست هم می‌دهیم! ماشین اعدام را در هم می‌کوبیم و عزیزانمان را آزاد می‌کنیم و بر سر دست بلند می‌کنیم! زن زندگی آزادی! نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

افشای مراسم عروسی دختر شمخانی، بازتاب اوضاع رژیم

مهران مجبی

کنونی نیست. دهها سال است دزدان و فاسدان حکومت در میدانهای رقابت بر سر سهم‌بری از چپاول دسترنج و ثروت عمومی جامعه، دزدی‌های یکدیگر را افشا می‌کنند و افشاگری و اعتراف به کثافت‌کاری‌های یکدیگر به یک عرف در سیستم حاکمیتی تبدیل شده است. در سالیان گذشته دهها مورد از دزدی‌ها و فسادهای اخلاقی و جنسی سران رژیم توسط خودشان افشا شده، ولی هیچ‌وقت مانند حالا پر تعداد و به‌قصد مقابله‌به‌مثل فوری اتفاق نیفتاده است. در همین یک ماه گذشته چند افشاگری و مقابله‌به‌مثل میان مهره‌های رژیم صورت گرفته است. حسن روحانی و سعید جلیلی بر سر برجام "پته" یکدیگر را روی آب انداختند، ظریف و "سرگی لاوروف" وزیر خارجه روسیه که خامنه‌ای و اصول‌گرایان او را خودی‌تر از کسی مانند ظریف و روحانی می‌دانند، یکدیگر را متهم به عاملیت گنجانده شدن مکانیسم ماشه در برجام کردند و به دنبال آن شمخانی خبرداشتن روحانی از شلیک سپاه به هواپیمای مسافربری اوکراینی را "لو" داد و به فاصله بسیار کوتاهی پس از آن فیلم عروسی دختر شمخانی منتشر شد.

شایعاتی مبنی بر اینکه انتشار فیلم عروسی دختر شمخانی کار نزدیکان روحانی در تلافی از افشاگری شمخانی علیه روحانی در رابطه با سرنگونی هواپیمای اوکراینی بوده است نیز در جریان است که می‌تواند واقعیت داشته باشد، اما نفس این مسابقات و گام گذاشتن مغضوبین به مرحله‌ای که سیاست‌های کلی و پایه‌های ایدئولوژیکی حکومت را مورد حمله قرار می‌دهد و از طرف دیگر حاضرین در قدرت که جنایات ده سال گذشته رژیم را بر گردن دولت‌های اصلاح‌طلب - اعتدالی می‌اندازند، تنها منعکس‌کننده موقعیت در آستانه فروپاشی و سرنگونی جمهوری اسلامی است. هر دسته و باندی از حکومت این اوضاع را درک کرده، ولی هیچ یک منطقاً راه‌حلی برای نجات رژیمشان ندارند. همه در گرداب ناامیدی سرگردان هستند و برای نجات خود و حکومتشان سعی می‌کنند سر یکدیگر را زیر آب کنند. از نظر هر باندی، باند رقیب مقصر موقعیت کنونی رژیم است، در نتیجه مجبور می‌شوند یکدیگر را تا حذف کامل از میدان زیر فشار بگذارند.

اما واقعیت این است که باندهای رژیم هر تقلائی بکنند تا خود را پرورز میدان در مقابل رقیب نشان دهند و به هر میزان در نتیجه نزاع‌های درونی‌شان تیشه به ریشه یکدیگر بزنند، در مجموع بازنده میدان جنگ با جامعه هستند و تیشه به ریشه خود و کلیت حکومتشان می‌زنند. این واقعیت را همه‌شان می‌دانند، ولی درعین‌حال نمی‌توانند به اصل کذائی "وفاق و همدلی و وحدت ملی" که این روزها برای روحیه دادن به اطرافیان‌شان ورد زبانشان است، پایبند باشند و دلیلش هم این است که اوضاع به کلی از دستشان دررفته است. می‌خواهند برای نجات رژیمشان با هم باشند ولی نمی‌توانند و هر چه اوضاع به جلو می‌رود شکاف‌های میان‌شان مخصوصاً در زمینه سیاست خارجی و رابطه با آمریکا و حل مشکلات اقتصادی ناشی از تحریم‌ها که بقاییشان در داخل را با بحران مواجه کرده، عمیق‌تر می‌شود. جانان حکومت فقط موقع رویارویی با جامعه هم‌نظر و متحد هستند باین‌حال کلیتشان در جنگ با مردم تا حالا شکست‌های زیادی خورده و در نهایت به دست همین مردم سرنگون خواهند شد.*

در چند روز گذشته یکی از داغ‌ترین موضوعات خبری و تحلیلی رسانه‌های حکومتی از یک طرف و رسانه‌های اجتماعی از طرف دیگر در رابطه با ایران، فیلم افشا شده مراسم عروسی دختر شمخانی بوده است. رسانه‌های حکومتی به همراه سران ریاکار و شریک در دزدی و فساد ساختاری و سازمان‌یافته رژیم طبق معمول ابتدا با آشفتگی و دستپاچگی به سرزنش شمخانی که به‌خاطر موقعیت سیاسی و امنیتی‌اش در نظام با چنین بی‌ملاحظگی و چنین بی‌دقتی‌ای باعث دادن سوژه و بهانه به دست دشمنان و معاندان حکومت شده، پرداختند و سپس و به‌تدریج "به خود آمدند" تا برای جمع کردن موضوع و سفیدشویی از شمخانی و کل رژیم، انتشار فیلم مراسم عروسی را به پروژه اسرائیل برای بدنام کردن به‌زعم خودشان چهره‌ها و شخصیت‌های مهم و کلیدی نظام ربط دهند.

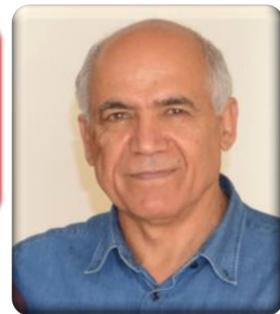
در رسانه‌های اجتماعی نیز به این موضوع بیشتر از زاویه سیاست‌ها و رویکردهای ریاکارانه سران حکومت از قبیل اینکه ۴۶ سال است زنان را به‌خاطر تن‌ندادن به حجاب اجباری سرکوب می‌کنند یا مردم را به تحمل فقر و ریاضت‌کشی دعوت می‌کنند و هر اعتراض صنفی و معیشتی‌ای را به شدیدترین نحو سرکوب می‌کنند، ولی خودشان در خلوت بی‌حجاب هستند و به شیوه اشرافی زندگی می‌کنند، پرداخته شده که به‌جای خود به حق است و افکار عمومی مردم در کوچه و بازار هم همین برخوردها را بازتاب می‌دهد.

از آنجاکه ریاکاری سران نظام از خامنه‌ای گرفته تا مدیران دست‌چندم ادارات محلی دولتی موضوع پنهانی برای مردم نیست، اگر از هر آدمی که به رژیم وصل نباشد بخواهید از دزدی‌های حکومتی نام ببرد، بدون نیاز به جستجو در حافظه طولانی‌مدتش موارد زیادی را لیست خواهد کرد و درعین‌حال نفرت خود را بروز خواهد داد. امروز هر آدمی در جامعه ایران حتی کودکان دبستانی هم می‌دانند که فساد و دزدی در تاروپود رژیم تنیده و درعین‌حال ریاکاری‌های سرانش را هر روزه شاهد هستند. فوری‌ترین تأثیر افشای ریاکاری‌ها و دزدی‌ها و فساد سران رژیم در نتیجه بالاگرفتن نزاع‌هایشان بر جامعه این است که زبان اعتراض عمومی را نسبت به کلیت حکومت تند و تیزتر می‌کند و اسنادی غیرقابل‌انکار به دست جامعه می‌افتد تا بر سر سران رژیم بکوبد.

اما جنبه قابل‌توجه دیگر افشای مراسم عروسی دختر شمخانی آن هم بعد از یک سال و نیم، زمینه و علت خود این افشاشدن است که به شرایط و موقعیت فعلی جمهوری اسلامی بر می‌گردد. اوضاع درونی رژیم زیر فشارهای همه‌جانبه داخلی و بین‌المللی شدیداً به‌هم‌ریخته و زهوار دررفته است و وحشت از سرنگون شدن حکومت بر خلاف ادعاهای دروغین خامنه‌ای و دیگر مهره‌های فعلاً در قدرت مبنی بر وجود انسجام و همدلی و وفاق ملی در کلیت نظام، نزاع‌ها را به حد بی‌سابقه‌ای رسانده است. هر مهره و باند حکومتی چه در قدرت و چه فعلاً کنار گذاشته شده از قدرت، در تقلا است که کل رژیم را از سرنگونی نجات دهد و بقای خود را به‌عنوان عضوی از آن حفظ کند، ولی چون هیچ‌یک راه‌حل مناسبی ندارند تا دیگران را قانع کنند، سرانجام به نزاع و درگیری تا این حد که در نوع خود "تیشه به ریشه‌زدن است" منتج می‌شود.

واضح است که افشاگری‌های سران رژیم علیه یکدیگر محدود به دوره

سرتان پایین است و دیگر آرامشی ندارید!



اصغر کریمی

علی شمخانی نماینده خامنه‌ای در شورای عالی دفاع به دنبال انتشار فیلم عروسی دخترش در یک هتل لوکس و مجلل در تهران نوشته است: «همه ما سوار یک کشتی هستیم. مبدا سوراخی پیدا

شود!»

او با اشاره به اظهارات اخیر پزشک‌های مبنی بر اینکه «ما از آمریکا و اسرائیل نمی‌ترسیم، بلکه از دعوا و اختلافات داخلی می‌ترسیم و اگر همه با هم باشیم، بر همه مشکلات غلبه می‌کنیم» تأکید کرده است: «توصیه‌ام به جریانات داخلی این است که همه باید تحت ولایت رهبری، متحد باشیم؛ چرا که دشمن به دنبال آن است که تک‌تک ما را گیر بیاورد و اساس کشور را دچار اختلال کند.»

فراخوان شمخانی به حکومتی‌ها این است که یکدیگر را افشا نکنیم. ریاکاری‌ها، فسادها، دزدی‌ها، زندگی لوکسمان و نوع زندگی آفازده‌هایمان را مخفی نگهداریم و گرنه همه با هم سقوط می‌کنیم. این در حالی است که به دنبال شکست مفتضحانه در جنگ دوازده‌روزه مدام از اتحاد مردم با حکومت می‌گویند تا به هم روحیه بدهند درحالی که در بالاترین سطوح هم به خون یکدیگر تشنه‌اند.

اما کشتی شما مدت‌ها است که بیشتر از یک سوراخ دارد! و دوره همه با همی‌تان مدت‌ها است سپری شده است. ترس شما هم فقط از اختلافات داخلی‌تان نیست. وقتی دورنمایی برای حل هیچ‌کدام از بحران‌هایتان را ندارید و در میان مردم هم آبروی برایتان باقی نمانده از همه چیز می‌ترسید. از دشمن خارجی می‌ترسید. از دعوای درونی که هر روز در حال عمق و گسترش بیشتر است می‌ترسید، از افشای کثافت‌کاری‌هایتان می‌ترسید، از اینکه رهبران در میان خودی‌هایتان هم سکه یک پول شده و اعتباری برایش نمانده است می‌ترسید، از ترور یکدیگر می‌ترسید، از بدنه و حتی سطوح بالای نیروی سرکوبتان که اطلاعات فوق‌محرمانه‌تان را می‌فروشند می‌ترسید و از دشمن داخلی از همه بیشتر وحشت دارید. همان دشمنی که «تک‌تکتان را گیر می‌آورد». همان دشمنی که با دورریختن حجاب‌ها روحیه‌ای برایتان باقی نگذاشته است. همان دشمنی که هر روز علیه‌تان شعار می‌دهد، همان دشمنی که زندان‌ها را به محل اعتراض تبدیل کرده است، همان دشمنی که کابوس

روزها و شب‌هایتان شده است. شما مدت‌ها است که علی‌رغم زندگی‌های لوکس و کاخ‌های مجلل، دیگر آرامشی ندارید. سرتان پایین است. از همه چیز نگرانید. هر جلسه‌ای، هر مصاحبه‌ای، هر اظهارنظری، اعصابتان را می‌فشارد. کارنامه‌تان پر از شکست است. رسانه‌هایتان به تویخانه‌هایی علیه خودتان تبدیل شده‌اند. اسلامتان به فنا رفته، حجابتان سرنگون شده، محور مقاومتتان درهم‌شکسته، مقاماتتان یکی پس از دیگری از خط‌قرمزها و مبانی هویتی‌تان عبور می‌کنند، از اشغال سفارت آمریکا و آمریکاستیزی اظهار پشیمانی می‌کنند، عملیات طوفان الاقصی را زیر سؤال می‌برند، شکست‌های منطقه‌ای‌تان را به رختان می‌کشند، مبانی ایدئولوژی‌تان را رد می‌کنند، سیاست‌های اقتصادی‌تان را مایه طنز قرار می‌دهند و جایی از این «کشتی» توفان‌زده را سالم نگذاشته‌اند. و دیگر نه رهبر و نه هیچ مقام دیگری مسیری برای نجات این کشتی در حال غرق ترسیم نمی‌کند.

اما در صف مقابل، مردم هر روز ابتکاری جدید برای پیشروی و متحدشدن و متشکل شدن خلق می‌کنند، ضعف‌ها و اشکالات خود را موردبررسی قرار می‌دهند، رهبران جدیدی پا به میدان می‌گذارند، دید سیاسی خود را بازتر می‌کنند، افق‌های بزرگ‌تری مقابل خود قرار می‌دهند و صفوف خود را منسجم‌تر می‌کنند، تا به حساب حکومت رسوا و پوسیده اسلامی‌تان برسند.*



گسترده‌تر از قبل بپا می‌خیزیم! دست‌به‌دست هم می‌دهیم!

ماشین اعدام را در هم می‌کوبیم و عزیزانمان را آزاد می‌کنیم

و بر سر دست بلند می‌کنیم.

زن زندگی آزادی!

نابود باد حکومت اسلامی!

معرفی کتاب

یک شاخه گل قرمز



اصغر کریمی

مجموعه یادداشتها
منتشر شده در نشریه ژورنال

۸ دی ۱۴۰۰ - ۱۳ شهریور ۱۴۰۴ - ۸ ژانویه ۲۰۲۲ - ۴ سپتامبر ۲۰۲۵

برای کسانی که حزب کمونیست کارگری و ادبیات آن را دنبال می‌کنند، اصغر کریمی و قلمش نیازی به معرفی ندارد. او با اتکا به سال‌ها مبارزه سیاسی و عضوی از رهبری حزب نوشته‌ها، مطالب و آثار فراوانی دارد که برخی از آنها پیش‌ازین نیز به‌صورت کتاب منتشر شده است. "یک شاخه گل قرمز" مجموعه نوشته‌های او در نشریه ژورنال است.

این نوشته‌ها همانطور که قبلاً هم گفتیم به دلیل محدودیت در تعداد کلمات با مقالات دیگر تفاوت فرم دارند. برای کسانی که به این نوع نوشتن عادت نداشتند و معمولاً مقالاتشان مفصل و چند صفحه‌ای بود، به نوعی یک چالش جدید به حساب می‌آمد. اصغر کریمی از جمله نویسندگانی است که خیلی خوب توانست خود را با این فرم نوشتاری هماهنگ کند و مانند قبل مطالب ماندگاری از خود در این مجموعه به‌جای بگذارد.

مانند همیشه لینک دانلود کتاب را پایین‌تر مشاهده می‌کنید. آن را بخوانید و خواندن آن را به سایر علاقه‌مندان توصیه کنید.

[یک شاخه گل قرمز - مجموعه یادداشت‌های اصغر کریمی - منتشر](#)

[شده در نشریه ژورنال - ویژه تلفن همراه](#)

پیش به سوی ایجاد شوراهای سازماندهی اعتراضات

جمهوری اسلامی در آستانه فروپاشی قرار گرفته و صفوفش در حال به‌هم‌ریختن است. زمان آن فرارسیده است که همه‌جا خود را متشکل کنیم. شوراهای سازماندهی یک ضرورت عاجل در شرایط کنونی و یک شیوه مهم سازماندهی در همه کارخانه‌ها و مراکز تولیدی و خدماتی، و در محلات همه شهرها است. رژیم در ضعیف‌ترین موقعیت خود قرار گرفته و شرایط برای متشکل شدن از همیشه آماده‌تر است.

شوراهای سازماندهی در نفت، شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران و شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی معلمان الگوهای مناسبی برای ایجاد این شوراهای در همه مراکز کارگری و در محلات مختلف شهرها است.

شوراهای سازماندهی اعتراضات ابزار مناسبی برای متحد نگه‌داشتن مردم و هدایت اعتراضات و اعتصابات است. ابزار مهمی برای متحد کردن و متشکل کردن مردم حول شعارهای آزادی‌خواهانه و متحدانه و جلوگیری از شعارهای انحرافی است. ابزار دخالت توده‌های وسیع مردم و ابزار مؤثری در ادامه‌کاری مبارزه است.

حزب کمونیست کارگری فعالین سیاسی و اجتماعی و فعالین و رهبران کارگری، جوانان معترض و همه بخش‌های جامعه را فرامی‌خواند که در هر شهر و محلی که می‌توانند، دست‌به‌کار ایجاد شوراهای شوند. حزب کمونیست کارگری از هر اقدام و ابتکار عملی در این راستا حمایت می‌کند و از تبادل نظر و شنیدن نظرات و پیشنهادات فعالین برای شکل‌دادن به شوراهای سازماندهی به گرمی استقبال می‌کند.

حزب کمونیست کارگری ایران



اطلاعه‌های هفته اخیر

واحد ۲ قزل‌حصار که جانانه ایستادند از جامعه جهانی و نهادهای حقوق بشری خواستار اتخاذ اقدامات مشخص عملی و اجرایی برای جلوگیری ادامه کشتار زندانیان شده‌اند. در این بیانیه از جمله بر قطع روابط با حکومت ضدبشری جمهوری اسلامی و تشکیل پرونده تحقیق در مورد مسئولان شکنجه و کشتار در ایران شده‌اند. اعضای کارزار بر ادامه سه‌شنبه‌های اعتراضی تا توقف کامل اعدام‌ها تأکید کرده‌اند.

امروز بیست و نهم مه‌ماه خانواده‌های زندانیان سیاسی زیر اعدام وحید بنی‌عامریان و پویا قبادی با شعار نه به اعدام، با در دست گرفتن پلاکارد نه به اعدام و عکس‌های فرزندانشان به صدور حکم اعدام فرزندانشان اعتراض کردند. سه‌شنبه‌های نه به اعدام کارزاری است که صدایش جهانی شده است. وسیعاً از این کارزار پشتیبانی کنیم.

در این روز همچنین کارگران پیمانکاری شهرداری چابهار، در مقابل شهرداری چابهار تجمع داشتند. بنا بر خبرها حدود دویست کارگر این شهرداری تحت مسئولیت یک شرکت تأمین نیرو مشغول کارند و حدود ۵ ماه حق بیمه آنها پرداخت نشده و مزد آنها طی سه تا چهار ماه گذشته به صورت علی‌الحساب بدون محاسبه اضافه‌کاری پرداخت شده است. این کارگران خواستار پرداخت فوری طلب‌هایشان هستند.

اخبار دیگر مربوط به تجمعات پرستاران در کرمانشاه و در اهواز در اعتراض به مشکلات کاری و معیشتی خود و خلف وعده‌ها است. در کرمانشاه پرستاران در مقابل ساختمان دانشگاه تجمع کرده بودند. به گفته پرستاران ۹ ماه است که تعرفه‌های آنان پرداخت نشده و حقوق بسیاری از آنها حتی به بیست میلیون تومان هم نمی‌رسد و باتوجه به گرانی‌های روزافزون به هیچ‌وجه کفاف زندگی آنها را نمی‌کند. فشار سنگین کاری و اضافه‌کاری‌های اجباری از دیگر موضوعات اعتراضی آنها است. در این اعتراضات پرستاران با شعار "تورم دلاریه حقوق ما ریالیه" صدای اعتراض خود را به سطح نازل حقوقها بلند کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ مهر ۱۴۰۴ - ۲۱ اکتبر ۲۰۲۵

اعتراضات کارگران رسمی نفت در پارس جنوبی و لاوان

بنا بر اخبار منتشر شده روز ۲۹ مهر کارگران رسمی شاغل در پالایشگاه ۲ مجتمع گازی پارس جنوبی SPGC در اعتراض به پاسخ نگرفتن خواست‌ها و برای پیگیری آنها تجمع کردند.

کارگران رسمی شاغل در شرکت نفت فلات قاره در منطقه لاوان نیز روز ۲۸ مهر دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارگران در تجمع روز گذشته خود اعلام کردند که دو روز در هفته یعنی روزهای شنبه و دوشنبه از ساعت ۶ تا ۹ صبح در محل باشگاه کمپ منطقه تجمع خواهند داشت و اگر بازهم پاسخ نگیرند، تجمعات اعتراضی بیشتری بر پا خواهند کرد.

مطالبات کارگران رسمی سراسری است و اهم آنها عبارت‌اند از: اصلاح حقوق حداقلی کارگران، حذف کامل سقف حقوق کارگران مناطق عملیاتی، حذف سقف سنوات بازنشستگی، و عودت مالیات‌های مازاد اخذ شده طبق قوانین و عدم چپاول صندوق بازنشستگی و ادغام آن در صندوق‌های ورشکسته دیگر.

اعتراضات در نفت گسترده است بخش‌های مختلف کارگران رسمی تجمعات خود را گسترش داده‌اند. کارگران ارکان ثالث نیز به تجمع برای روز دهم آبان‌ماه در مقابل ریاست جمهوری اسلامی در تهران فراخوان به

تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات در ۱۳ شهر، و کارکنان پتروشیمی ایلام

امروز بیست و هشتم مه‌ماه بازنشستگان مخابرات علیه وضع اسفناک معیشتی و پاسخ نگرفتن مطالبات خود یکی دیگر از دوشنبه‌های اعتراضی خود را برگزار کردند. این تجمعات در این هفته در شهرهای چون تهران، کرمانشاه، همدان، تبریز، شیراز، همدان، رشت، مریوان، بیجار، زنجان، اصفهان، اهواز، کرمان برگزار شدند. عدم اجرای صحیح و کامل آیین‌نامه استخدامی و رفاهی سال ۱۳۸۹ و چپاول سرمایه‌های بازنشستگان شرکت مخابرات توسط دو سهام‌دار اصلی و رانت‌خوار و فاسد این شرکت یعنی ستاد اجرایی فرمان امام و بنیاد تعاون سپاه پاسداران که با اعمال نفوذ و سوءاستفاده بیش از نیمی از سهام مخابرات ایران را ملاخور کرده و به نام خود زده‌اند، از مهم‌ترین مشکلات و موضوعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات است.

در این تجمعات بازنشستگان شعار می‌دادند: "بنیاد تعاون حق ماها رو خورده مخابرات رو برده"، "شرکت شده چندپاره بخوربخور تو کاره"، "یک اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه"، "ستاد اجرایی حق ماها رو خورده مخابرات رو برده"، "مخابرات رو ما ساختیم سپاه برد ما باختیم"، "هر دو نهاد رهبری این‌همه ستمگری"، و "مخابرات رها شده اسیر قلدرها شده".

اعتراض جمعی از کارکنان پتروشیمی ایلام

امروز بیست و هشتم مه‌ماه جمعی از کارگران پتروشیمی ایلام در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات معوقه خود در مقابل اداره کار این شهر تجمع و اعتراض کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ مهر ۱۴۰۴ - ۲۰ اکتبر ۲۰۲۵

نود و یکمین هفته کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" و اخباری دیگر

امروز ۲۹ مهر کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام در ۵۲ شهر کشور جریان یافت. در سرسخن بیانیه هفتگی اعضای این کارزار چنین آمده است: "کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» در حالی وارد نود و یکمین هفته خود می‌شود که زندانیان واحد ۲ زندان قزل‌حصار پس از یک هفته اعتصاب غذا و با شعار «نه به اعدام» علیه اعدام‌های گروهی و سرکوب‌های حکومت ایستادگی کردند و توانستند شش تن از هم‌بندیشان را که برای اعدام به انفرادی برده بودند به بند بازگردانند. این اعتصاب گسترده برای هر کدام از آن‌ها در واقع رفتن به استقبال مرگ بود؛ و اجرای احکام این حکومت قرون‌وسطایی می‌توانست اجرای حکم هر کدام از آن‌ها را، به دلیل مقاومتشان، سرعت ببخشد. در ادامه خانواده‌های آن‌ها روز یکشنبه ۲۷ مهر با حضور در مقابل مجلس رژیم، صدای اعتراض خود را علیه سیاست‌های سرکوب‌گرانه و اعدام بلند کردند.

این‌ها فریاد و مقاومت علیه حکومت انسان‌ستیزی است که وحشیانه دست به اعدام‌های جمعی می‌زند به نحوی که تنها در هفته گذشته ۵۹ نفر شامل ۲ زن و یک کودک مجرم، و در مه‌ماه ۲۳۲ زندانی را اعدام کرده است. به این ترتیب آمار اعدام‌ها در سال جاری [۱۴۰۴] از ۱۰۸۷ تن گذشته است."

در ادامه کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» ضمن درود به زندانیان

بازگشت سرویس رفت و آمد و تأمین امنیت خوابگاه دختران، بهبود کیفیت و کاهش قیمت غذای سلف، رسیدگی به مشکلات خوابگاهی و آموزشی و همچنین پایان دادن به برخوردهای امنیتی با دانشجویان معترض، از جمله مطالبات اصلی تجمع کنندگان است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ مهر ۱۴۰۴ - ۲۲ اکتبر ۲۰۲۵

تجمع کارگران نیشکر هفت تپه، کارزار اعتصاب ساعتی و تجمع کارگران رسمی خارک، نقض حکم اعدام عباس دریس و خبری دیگر

تجمع اعتراضی کارگران هفت تپه

امروز یکم آبان ماه بیش از صد و پنجاه نفر از کارگران شاغل در نیشکر هفت تپه در اعتراض به تعطیلی سالن غذاخوری شرکت و کاهش مبلغ حق غذا و بدتر شدن وضعیت معیشتی خود باتوجه به گرانیهای سرسام آور در محوطه شرکت دست به تجمع و راهپیمایی زدند. در این تجمع کارگران با فریاد "دورباشی حیا کن، هفت تپه را رها کن" صدای اعتراض خود را به اختلاسگریهای مدیریت بلند کرده و همکاران در بخشهای دیگر را به پیوستن به صف اعتراض خود فراخواندند. کارگران اعلام کردهاند که اگر پاسخ نگیرند به اعتراض خود ادامه می دهند.

کارزار اعتصاب ساعتی در نفت و تجمع کارگران رسمی در خارک

طبق گزارشات منتشر شده اعتراضات کارگران رسمی نفت گسترده تر شده و هم اکنون شکل کارزار اعتصاب ساعتی را به خود گرفته است. از جمله در مناطق نفت خیز جنوب و سکوهایی نفتی و مناطق مختلف شرکت نفت فلات قاره این کارگران همزمان با اعتصاب ساعتی تجمع می کنند و این اعتراضات هر روزه شده است. از سوی دیگر کارگران ارکان ثالث با خواست حذف پیمانکاران و برای پیگیری دیگر مطالباتشان به میدان آمده و برای دهم آبان ماه در مقابل دفتر ریاست جمهوری تجمع خواهند داشت. در راستای این اعتراضات در روز گذشته علاوه بر کارگران رسمی در شرکت نفت فلات قاره در بهرگان، در خارک نیز این کارگران تجمع داشتند. اعتراضات کارگران رسمی سراسری است و خواست اصلی آنها افزایش دستمزدهاست. مطالبات فوری این کارگران عبارتند از: اصلاح حقوق حداقلی کارگران، حذف کامل سقف حقوق کارگران مناطق عملیاتی، حذف سقف سنوات بازنشستگی، و عودت مالیاتهای مازاد اخذ شده طبق قوانین و توقف چپاول صندوق بازنشستگی و عدم ادغام آن در صندوقهای ورشکسته دیگر.

اعتصاب و تجمع کارگران کارخانه محصولات لبنی پگاه

کارگران کارخانه محصولات لبنی «پگاه» در روز ۲۹ مهر، در اعتراض به مطالبات پرداخت نشده خود دست به تجمع و اعتصاب زدند.

حکم اعدام عباس دریس نقض شد

روز گذشته سی ام مهرماه زیر فشار اعتراضات گسترده علیه اعدامها شعبه اول دیوان عالی کشور درخواست اعاده دادرسی در پرونده عباس دریس از بازداشت شدگان خیزش مردمی در سال ۹۸ و تنها شاهد کشتارهای حکومت در نيزارهای ماهشهر را پذیرفت. در نتیجه حکم جنایت کارانه اعدام او با اتهام "محاربه" عجلتاً نقض شده است و تصمیم به دادگاه هم عرض ارجاع شده است. عباس دریس باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ آبان ۱۴۰۴ - ۲۳ اکتبر ۲۰۲۵

تجمع دادهاند. این شرایط زمینه را برای به میدان آمدن بخشهای مختلف نفت برای پیگیری مطالبات بر زمین مانده خود آماده تر می کند. حزب کمونیست کارگری همه بخشهای شاغل در نفت را به پیوستن به این اعتراضات فرامی خواند. اعتصابات سراسری یک حلقه کلیدی در تقویت مبارزات علیه فقر و بی تأمینی است. به تدارک آن برویم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ مهر ۱۴۰۴ - ۲۱ اکتبر ۲۰۲۵

اعتراضات کارگران رسمی نفت، پرستاران بیمارستان مسیح دانشوری در تهران، و اخباری دیگر

بنا بر اخبار منتشر شده روز ۳۰ مهر کارگران رسمی شاغل در شرکت نفت فلات قاره در منطقه بهرگان تجمع و راهپیمایی داشته و پیگیری مطالباتشان شدند. روز قبل از آن نیز در بیست و نهم مهرماه این کارگران در سیری و در شرکت مجتمع گازی پارس جنوبی (پالایشگاه هفتم) SPGC دست به تجمع و اعتراض زدند. کارگران رسمی اعلام کردهاند که تا تحقق خواستهای خود به تجمعات و اعتراضاتشان ادامه می دهند. مطالبات کارگران رسمی سراسری است و اهم آنها عبارتند از: اصلاح حقوق حداقلی کارگران، حذف کامل سقف حقوق کارگران مناطق عملیاتی، حذف سقف سنوات بازنشستگی، و عودت مالیاتهای مازاد اخذ شده طبق قوانین و توقف چپاول صندوق بازنشستگی و عدم ادغام آن در صندوقهای ورشکسته دیگر.

اعتصاب پرستاران و کادر درمان بیمارستان "مسیح دانشوری" تهران

روز سه شنبه ۲۹ مهر پرستاران و کادر درمان بیمارستان "مسیح دانشوری" تهران در اعتراض به پرداخت نشدن کارانه و دیگر بستنکاریها و بی پاسخ ماندن خواستهایشان تجمع کردند. دو روز قبل تر نیز بر سر همین موضوعات پرستاران در کرمانشاه و اهواز دست به تجمع زده بودند.

تجمع اعتراضی مردم در قزوین در اعتراض به شهرداری

روز ۲۹ مهر بخشهایی از مردم در شهر قزوین در اعتراض به تصرف بهرور زمینهای شخصی شان توسط شهرداری و استانداری در برابر استانداری تجمع کردند. تجمع کنندگان شعار می دادند: "تا حق خود نگیریم، از اینجا ما نمیریم!"

تجمع رانندگان شهرداری مشهد

روز ۲۹ مهر رانندگان ناوگان حمل و نقل شهرداری مشهد در اعتراض به مشکلات معیشتی، دستمزد پایین و پرداخت نشدن مطالباتشان مقابل ساختمان شهرداری تجمع کردند.

آزادی محمد زمان کامروا به قید وثیقه

روز ۲۹ مهر محمد زمان کامروا از بازنشستگان اهواز و معترض به وضعیت فلاکت بار موجود، با قید وثیقه یک میلیاردتومانی آزاد شد. وثیقه یک اخاذی آشکار و بخشی از سرکوبگری حکومت و باز نگه داشتن پروندههای امنیتی بالای سر فعالین کارگری - اجتماعی است. پرونده امنیتی محمد زمان کامروا باید بسته و وثیقه او بازگردانده شود

تجمع اعتراضی فرهنگیان یزد

روز ۲۹ مهر فرهنگیان یزد در ادامه اعتراضات به وضعیت نابسامان صندوق ذخیره فرهنگیان و چپاولگریهای پشت پرده دست به تجمع اعتراضی زدند.

تجمع دانشجویان دانشگاه صنعتی خواجه نصیر طوسی

روز گذشته سه شنبه ۲۹ مهر، جمعی از دانشجویان دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی تهران، در اعتراض به بی پاسخ ماندن مطالبات خود در پردیس رضایی نژاد دست به تحصن و تجمع اعتراضی زدند.

ادامه اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه و اخباری دیگر

ادامه اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه

امروز شنبه ۳ آبان کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض به تعطیلی سالن غذاخوری شرکت و کاهش مبلغ حق غذا و گرانی‌های سرسام آور و مشکلات معیشتی خود دست به اعتصاب زده و راهپیمایی کردند. اعتراضات این کارگران از چهارشنبه سیام مهرماه آغاز شد. نیشکر هفت تپه یک کانون قابل توجه اعتراضات کارگری است و به میدان آمدن دوباره کارگران این مرکز توجه‌ها را به خود جلب کرده است.

تجمع پرسنل اورژانس ۱۱۵ فسا

امروز سوم آبان ماه پرسنل اورژانس ۱۱۵ فسا در اعتراض به دستمزدهای نازل و معوقات پرداخت نشده با فریاد "وعدموعید کافی است! سفره ما خالی است! مسئول بی لیاقت، استعفا!" دست به تجمع زدند.

اعتصاب کارگران گهرزمین سیرجان

امروز سوم آبان ماه کارگران بخش گندله سازی شرکت گهرزمین سیرجان در اعتراض به پرداخت نشدن پاداش‌ها، کمبود امکانات رفاهی و شرایط دشوار کاری و خلف وعده‌های مدیریت دست به اعتصاب و تجمع زدند.

تجمع کارگران شرکت توزیع برق اهواز

امروز سوم آبان ماه کارگران شرکت توزیع برق اهواز در اعتراض به دستمزدهای نازل و مشکلات حاد معیشتی در مقابل ساختمان اداری این شرکت دست به تجمع زدند.

تجمع نانوایان مشهد در مقابل استانداری

امروز سوم آبان ماه بار دیگر نانوایان در مشهد در اعتراض به عدم پرداخت یارانه‌ها و اختلاسگری‌های مافیای نانینو مقابل استانداری تجمع کردند. در این حرکت اعتراضی نانوایان بنری در دست داشتند که روی آن نوشته شده بود: "مردمی که در تلویزیون گزارشات یک سوبیه از تخلفات نانوایان را می‌بینید، در جریان باشید دولت به من گفته ۴۰ درصد پول نان را نگیر، من حساب می‌کنم، اما از یکم تیر بد حسابی کرده و یک تومان هم به ما پرداخت نکرده..."

تجمع اعتراضی حواله‌داران خودرو

امروز سوم آبان ماه حواله‌داران مال‌باخته خودرو از برندهای پلاس، سوبیا، ام‌جی، اس‌ایکس، تی‌فایو و ۵۱۱ به دلیل بی‌پاسخ ماندن شکایت‌ها، تجمع کردند. حواله‌داران هشدار دادند: "کل خودروها مشکل دارند و ما تا گرفتن حق خود آرام نمی‌نشینیم."

حزب کمونیست کارگری ایران

۳ آبان ۱۴۰۴ - ۲۵ اکتبر ۲۰۲۵

تجمع خانواده‌های زندانیان محکوم به اعدام، نقض حکم اعدام ۵ زندانی در بوکان، و اخباری دیگر

تجمع خانواده‌های زندانیان زیر حکم اعدام

خانواده‌های زندانیان محکوم به اعدام هر هفته دست به تجمع و اعتراض می‌زنند و بر لغو مجازات اعدام تأکید می‌کنند. امروز چهارم آبان ماه جمعیت بیشتری از خانواده‌های زندانیان زیر اعدام با فریاد اعدام نکنید، نه به اعدام در برابر مجلس اسلامی تجمع کردند.

نقض حکم اعدام پنج بازداشتی انقلاب زن زندگی آزادی در بوکان

دیوان عالی جمهوری اسلامی حکم ۱۱ بار اعدام پنج شهروند اهل بوکان، از بازداشت‌شدگان اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» را لغو کرد. اسامی این زندانیان عبارت‌اند از: زرگار بیگزاده بابامیری، پژمان سلطانی، علی (سوران) قاسمی، کوه صالحی و تیفور سلیمی بابامیری. بنا بر گزارشات شعبه ۳۹

دیوان عالی کشور پس از بررسی فرجام‌خواهی وکلای متهمان، پرونده آنان را برای رسیدگی مجدد به دادگاه انقلاب مه‌باد بازگرداند. این زندانیان از بازداشت‌شدگان انقلاب زن زندگی آزادی در ۱۴۰۱ هستند که با اتهامات "بغی"، "محاربه" و "تشکیل گروه باغی" محاکمه شده و دادگاه ارومیه آنها را به یازده بار اعدام محکوم کرده بود. به گفته وکلای آنان بازداشت‌شدگان در این پرونده در شرایط سخت و غیرانسانی نگهداری شده‌اند.

آخرین خبر اینکه نیروهای امنیتی زندان شیبان اهواز، هشت زندانی عقیدتی را که در اعتصاب غذا به سر می‌برند، به سلول‌های انفرادی انتقال داده‌اند. این زندانیان در اعتراض به "عدم برخورداری از بخشودگی و مرخصی درمانی" از ۲۸ مهر ۱۴۰۴ دست به اعتصاب زده بودند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ آبان ۱۴۰۴ - ۲۶ اکتبر ۲۰۲۵

تجمع بزرگ بازنشستگان فولاد در تهران، تجمعات بازنشستگان تأمین اجتماعی و اخباری دیگر

تجمع بزرگ بازنشستگان معدن و فولاد در تهران

امروز یکشنبه ۴ آبان جمعیت قابل توجهی از بازنشستگان معدن و فولاد طبق قراری قبلی علی‌رغم فضای امنیتی در مقابل مجلس اسلامی در تهران تجمع کردند. اعتراض آنان به وخیم‌تر شدن هر روزه وضع معیشتی آنها و محرومیت از درمان رایگان و مشکلات درمانی، انتقال صندوق بازنشستگی‌شان به صندوق کشوری و اختلاسگری‌های پشت پرده و نیز به عدم اجرای کامل همسان‌سازی و سطح نازل حقوق‌هایشان است. زیر فشار اعتراض بازنشستگان در تهران در ساعت ۱۴/۳۰ دقیقه سه نماینده مجلس در جمع معترضین حضور یافتند و اعلام کردند که موضوع را بررسی و ظرف دو هفته آینده به اطلاع نمایندگان بازنشستگان فولاد می‌رسانند.

در این تجمع بازنشستگان معترض فریاد می‌زدند. "فولادی، معدنی می‌میرد/ ادغام نمی‌پذیرد"، "فقط کف خیابون/ به دست میاد حقمون"، "فولادی، معدنی می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد."

تجمعات بازنشستگان تأمین اجتماعی در چند شهر

امروز همچنین بازنشستگان تأمین اجتماعی در یکی دیگر از یکشنبه‌های اعتراضی خود علیه فقر و بی‌تامینی و مشکلات معیشتی‌شان در شهرهای شوش، اهواز و تهران تجمع داشتند.

در شوش بازنشستگان مثل هر هفته از شهرهای کرخه و هفت تپه و شوش گردآمده بودند و فریدون نیکوفرد یکی از بازنشستگان طی سخنانی علیه محرومیت از بیمه درمانی و بیمه ناکارآمد آتیه‌سازان سخنرانی کرد و بر اینکه امروز خط فقر پنجاه میلیون است، اما هزینه درمان از این بالاتر است، تأکید کرد و صدای اعتراض بازنشستگان را بازتاب داد. معترضین شعار می‌دادند: "گرانی تورم، بلای جان مردم"، "می‌جنگیم، می‌میریم، حقمون می‌گیریم"، "حسین حسین شعارشون دروغ و دزدی کارشون"، "شریفه محمدی آزاد باید گردد"، "فقط کف خیابان به دست میاد حقمان". در اهواز بازنشستگان تأمین اجتماعی در برابر این سازمان تجمع کردند و شعار می‌دادند "اجرای ماده ۹۶ حق مسلم ماست." بازنشستگان تأمین اجتماعی بیمه تکمیلی را قبول ندارند و می‌گویند که طبق قانون الزام سازمان تأمین اجتماعی، باید از کلیه هزینه‌های دارویی و درمانی در مراکز ملکی سازمان تأمین اجتماعی به صورت رایگان بهره‌مند شوند. در تهران بازنشستگان تأمین اجتماعی با فریاد "لشکری، کشوری، تأمین اجتماعی، اتحاد، اتحاد" بخش‌های مختلف بازنشستگان را به تجمعات اعتراضی مشترک فراخواندند. دیگر شعارهای اعتراضی این بازنشستگان عبارت بودند از: "نان گران، دارو گران، در حسرت یک لقمه نان"، "شریفه محمدی آزاد باید گردد"، "مسعود فرهیخته آزاد باید گردد"، و "تا حق خود نگیریم، یکشنبه‌ها می‌آییم."

اعتراضات کارگران نیشکر هفت‌تپه و احضار سه نفر از کارگران

بنا بر خبرهای منتشر شده در پی چهار روز اعتصاب و تجمع شمار زیادی از کارگران کشاورزی - صنعتی نیشکر هفت‌تپه در استان خوزستان در اعتراض به وضعیت بد معیشتی خود و فساد در مدیریت مقام‌های قضایی برای تعدادی از کارگران اعتصابی احضاریه صادر کرده‌اند. ساجد آل کثیر، ستار پورموسوی، و ناجی اسدی از جمله کارگرانی هستند که احضار شده‌اند. این احضارها چند ساعت پس از آن انجام شدند که یکی از مدیران شرکت نیشکر هفت‌تپه ضمانت کرده بود که به مطالبه آنان رسیدگی خواهد شد و درعین حال، کارگران به دلیل اعتصاب و تجمع با برخورد امنیتی مواجه نخواهند شد.

اعتصاب و تجمعات چهارروزه کارگران نیشکر هفت‌تپه که از چهارشنبه ۳۰ مهر آغاز شد، در اعتراض به مبلغ ناچیز حق غذا که روزانه ۶۰ هزار تومان برای هر کارگر تعیین شده، و به تأخیر در پاداش‌ها و سایر مزایای عرفی و قانونی خود که باید به‌موقع و بدون تأخیر پرداخت شود، شکل گرفت.

اعتراض کارگران فروشگاه رفاه زنجان

صبح امروز چهارم آبان‌ماه کارگران فروشگاه زنجیره‌ای رفاه زنجان با تجمع مقابل ساختمان فروشگاه خواستار پیگیری وضعیت معوقات مزدی و بیمه‌ای خود شدند. بنا بر خبرها حدود ۵۰ کارگر زن و مرد در ۵ شعبه فروشگاه زنجیره‌ای رفاه در استان زنجان فعالیت دارند که بیش از ۳ ماه حقوق و ۷ ماه حق بیمه پرداخت نشده دارند. به گفته کارگران بعد از واگذاری فروشگاه به بخش خصوصی مشکلات معیشتی و کاری آنها بیشتر شده و آنها امنیت شغلی خود را از دست داده‌اند. این وضعیت باعث شده که برخی کارگران برای دریافت خدمات درمانی با مشکل مواجه شوند و معوقات بیمه‌ای زندگی و سلامت آنها را تهدید کند.

اعتراض به فساد و اختلاس در بانک شهر

روز گذشته سپرده‌گذاران بانک شهر در قم در اعتراض به تخلفات و زدنی‌های پشت پرده دست به تجمع زدند.

تجمع کارگران کاشی کاژه اسلام‌آباد

امروز چهارم آبان‌ماه جمعی از کارگران شرکت کاشی کاژه اسلام‌آباد در اعتراض به شرایط سخت کاری، تأخیر طولانی در پرداخت حقوق و خلف وعده‌ها، مقابل فرمانداری شهرستان تجمع کردند. به گفته کارگران ماه‌هاست که حقوق و مزایایشان پرداخت نشده است.

فراخوان اعتراضی سرایداران و خدمتگزاران مدارس دولتی

سرایداران و خدمتگزاران مدارس دولتی در اعتراض به بدتر شدن هر روزه وضع معیشتی خود برای ساعت ۹ صبح روز سیزدهم آبان فراخوان به تجمع سراسری در تهران مقابل وزارت آموزش و پرورش را داده‌اند. آنها قبلاً نیز به‌خاطر همین مشکلات تجمعاتی داشته‌اند. سطح نازل حقوقها و شرایط سخت معیشتی، عدم جذب و استخدام نیروهای خدماتی در آموزش و پرورش، و عدم اجرای مصوبات که می‌تواند بهبودی در درآمد آنها ایجاد کند از جمله موضوعات اعتراضی اعلام شده آنها است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ آبان ۱۴۰۴ - ۲۶ اکتبر ۲۰۲۵

اعتراضات کارگران رسمی نفت در شرکت نفت در منطقه لاوان و سیری و در سکوی بهرگانس در منطقه بهرگان

امروز چهارم آبان‌ماه کارگران رسمی در شرکت نفت فلات قاره در منطقه

لاوان و سیری برای پیگیری مطالبات خود تجمع کرده. روز گذشته هم این کارگران در بهرگان و نیز در سکوی بهرگانس در منطقه بهرگان در همراهی با سایر همکاران خود تجمع داشتند. در بهرگان کارگران از ساعت ۷ الی ۹ صبح شنبه ۳ تجمع و راهپیمایی داشتند.

اعتراضات کارگران رسمی روزهای متعددی از هفته را به خود اختصاص داده و سراسری است و شکل کارزار اعتصاب ساعتی را به خود گرفته است. گستردگی این اعتراض روند سراسری شدن اعتراضات در نفت را نشان می‌دهد. از اعتراضات کارگران نفت وسیعاً حمایت کنیم. اهم خواست‌های فوری کارگران رسمی نفت عبارت‌اند از: مطالبات کارگران رسمی سراسری است و اهم آنها عبارت‌اند از: اصلاح حقوق حداقلی کارگران، حذف کامل سقف حقوق کارگران مناطق عملیاتی، حذف سقف سنوات بازنشستگی، و عودت مالیات‌های مازاد اخذ شده طبق قوانین و عدم چپاول صندوق بازنشستگی و ادغام آن در صندوق‌های ورشکسته دیگر.

اعتراضات در نفت گسترده است روز گذشته سوم آبان‌ماه کارگران پتروشیمی ایلام؛ در اعتراض به بی‌پاسخ ماندن مطالبات خود بار دیگر دست از کار کشیدند و مقابل محل کار خود تجمع کردند. اعتراض آنان به شرکت کههربا توان است که باوجود عدم پرداخت مطالبات گذشته کارگران، باز هم در مناقصه جدید تعمیرات پتروشیمی ایلام برنده شده است. کارگران می‌گویند: "شرکتی که حقوق ما را نداده، چطور دوباره برنده مناقصه شده؟ این یعنی فساد آشکار در سیستم مناقصه‌ها!".

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ آبان ۱۴۰۴ - ۲۶ اکتبر ۲۰۲۵

تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات در ۱۴ شهر، کارگران نفت فلات قاره، ناوایان مشهد و بازنشستگان بانک ملی

امروز پنجم آبان‌ماه بازنشستگان مخابرات در اعتراض به فقر و بی‌تامینی و علیه چپاولگری‌های سهام‌داران عمده این شرکت همچون دوشنبه‌های گذشته تجمع و اعتراض داشتند. این تجمعات در این هفته در شهرهایی چون کرمانشاه، همدان، سنندج، اصفهان، تهران، خرم‌آباد، خوی، بیجار، مشهد، شیراز، مریوان، زنجان، کرمان، تبریز، بزرگ‌شهر شدند. در تهران بازنشستگان مخابرات تجمع و راهپیمایی داشتند و با فریاد "دشمن ما همین‌جاست، دروغ می‌گن آمریکاست" صدای اعتراض خود را علیه جنگ‌افروزی‌های حکومت و وضع بد معیشتی خود بلند کردند. در این تجمعات بازنشستگان شعار می‌دادند: "مخابرات غارت شده، در حق ما جفا شده"، "بازنشسته داد بزن/ حقتو فریاد بزن"، "مخابرات رو ما ساختیم، سپاه بردش ما باختیم"، "مخابرات را بردند، به دست گرگ سپردند"، "یک اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه"، "ستاد اجرایی حق ماها رو خورده، مخابرات رو برده"، "هر دو نهاد رهبری این‌همه ستمگری" و "بازنشسته بیدار است از ظلم و جور بیزار است". در این روز همچنین بازنشستگان بانک ملی در اعتراض به مشکلات معیشتی و فساد و رانت‌خواری حاکم تجمع کردند. اهم مطالبات این بازنشستگان عبارت است از: بهبود وضعیت معیشتی و کفایت حقوق، حفظ استقلال صندوق بازنشستگی بانک‌ها، اجرای همسان‌سازی حقوق و افزایش مستمری‌ها، دریافت پاداش پایان خدمت و معوقات افزایش حقوقها و درمان رایگان و پایان دادن به اختلاس‌ها و سرکوبگری‌ها مطالبات سراسری بازنشستگان است. در این تجمع اعتراضی بازنشستگان بانک ملی با شعار "نترسیم! ما همه با هم هستیم!" بر اتحاد و تداوم اعتراضشان تأکید کردند.

تجمع اعتراضی کارکنان شرکت نفت فلات قاره؛ منطقه لاوان

امروز دوشنبه پنجم آبان‌ماه کارگران رسمی شرکت نفت فلات قاره در

درباره خبر پایان اعتصاب زندانیان قزل حصار علیه اعدام

پس از گذشت شش روز از اعتصاب زندانیان قزل حصار علیه اعدام - که توجه گسترده افکار عمومی را به خود جلب کرده بود - این اعتصاب در تاریخ ۲۷ مهر ۱۴۰۴ با وعده و قول مقامات جمهوری اسلامی به طور موقت پایان یافت.

هیتی متشکل از نماینده‌های از قوه قضائیه، مسئولانی از سازمان زندان‌ها و رئیس زندان قزل حصار در دیداری با نمایندگان زندانیان اعتصابی وعده داده‌اند که اعدام‌ها در زندان قزل حصار برای چند ماه متوقف خواهد شد تا قانون مجازات اعدام در مجلس مورد بررسی قرار گیرد.

هم‌زمان شماری از زندانیانی که برای اجرای حکم اعدام به سلول انفرادی منتقل شده بودند، مجدداً به بند عمومی بازگردانده شدند. زندانیان نیز بر اساس همین وعده‌ها تصمیم گرفتند به اعتصاب خود به طور موقت پایان دهند.

زندانیان با قدردانی از حمایت‌های مردمی اعلام کرده‌اند که تا زمانی به این توافق پایبند خواهند ماند که مسئولان قضایی به وعده‌های خود عمل کنند.

روز یکشنبه همچنین خانواده‌های محکومان به اعدام با شعارهای «نه به اعدام» و «اعدام نکنید» در مقابل مجلس اسلامی دست به اعتراض زدند. نیروهای امنیتی رژیم تلاش کردند از این تجمع اعتراضی جلوگیری کنند.

در طول یک هفته اعتصاب غذای زندانیان واحد ۲ زندان قزل حصار - که عمدتاً از محکومان به اعدام در ارتباط با پرونده‌های مواد مخدر هستند - آنها توانستند توجه افکار عمومی را به سرنوشت کسانی جلب کنند که در واقع قربانیان فقر، بی‌حقوقی و حاکمیت ظالمانه و جنایت کارانه رژیم اسلامی‌اند و تحرکی تازه در جنبش ضد اعدام در ایران ایجاد کنند.

علاوه بر خانواده‌های محکومان به اعدام، زندانیان در سایر زندان‌ها از جمله اوین و رجائی شهر نیز از خواست برحق آنان یعنی لغو احکام اعدام و لغو مجازات اعدام حمایت کردند و اخبار این اعتراض عادلانه به طور گسترده در سطح جامعه بازتاب یافت.

جمهوری اسلامی با «هیولا» جلوه‌دادن زندانیان تلاش کرد مبارزه و خواست انسانی آنان را بی‌اعتبار کند و همچنان به این تقلاها ادامه می‌دهد. اما پایداری زندانیان و حمایت گسترده عمومی از مطالبات آنان باعث شد رژیم ناچار به مذاکره و گفت‌وگو با نمایندگان زندانیان شود و به آنها وعده وعیدهایی بدهد.

باین حال، تجربه‌های پیشین نشان می‌دهد که مقامات جمهوری اسلامی غالباً در قبال چنین وعده‌هایی مسئولیتی نمی‌پذیرند و پس از کاهش فشار اجتماعی، از اجرای تعهدات خود سر باز می‌زنند. به همین دلیل، زندانیان و خانواده‌هایشان تأکید کرده‌اند که تنها تضمین واقعی در گرو تداوم فشار افکار عمومی، حمایت گسترده مردمی و پیگیری نهادها و تشکل‌های مردمی از آنهاست. از سوی دیگر، این اعتراض بی‌سابقه روحیه‌ای تازه به جنبش ضد اعدام داده و نشان داده است که حتی در دل زندان نیز می‌توان رژیم را وادار به عقب‌نشینی کرد.

کمیتة بین‌المللی علیه اعدام از همگان می‌خواهد که همچنان از درخواست زندانیانی که زیر حکم اعدام قرار دارند و خواهان لغو این احکام هستند، و نیز از خانواده‌های دردمند آنان، حمایت و پشتیبانی کنند. همبستگی و اتحاد عمومی علیه اعدام و گسترش مبارزه علیه اعدام تنها تضمین تحقق این خواست است. این نیروی متحد مردمی علیه اعدام است که می‌تواند رژیم را وادار کند که آدمکش‌های در زندان‌ها را پایان دهد. مبارزه برای لغو مجازات اعدام، تلاشی همگانی برای انسانی کردن مناسبات اجتماعی و مقابله با حاکمانی است که با کاشتن ترس در دل مردم می‌خواهند سلطه دینی و ظالمانه خود را حفظ کنند. اعدام یک جنایت حکومتی است و ما خواهان لغو این مجازات ضدانسانی و ممنوعیت کامل آن هستیم.

کمیتة بین‌المللی علیه اعدام

۲۸ مهر ۱۴۰۴ - ۲۰ اکتبر ۲۰۲۵

منطقه لاوان در اعتراض به خلف وعده‌ها و برای پیگیری مطالبات خود تجمع کردند. اعتراضات کارگران رسمی نفت سراسری است و اهم مطالبات این کارگران عبارت‌اند از: اصلاح حقوق حداقلی کارگران، حذف کامل سقف حقوق کارگران مناطق عملیاتی، حذف سقف سنوات بازنشستگی، و عودت مالیات‌های مازاد اخذ شده طبق قوانین و عدم چپاول صندوق بازنشستگی و ادغام آن در صندوق‌های ورشکسته دیگر.

تجمع اعتراضی نانوایان در مشهد

امروز پنجم آبان نانوایان در مشهد در اعتراض به سطح نازل حقوقها و بساط چپاولگری‌های مافیای نانینو دست به تجمع زدند. این نانوایان در ادامه اعتراضاتشان در مقابل دفتر نانینو تجمع کردند. سهمیه پایین و کیفیت نامناسب آرد، عدم پرداخت یا تأخیر در واریز یارانه دولتی، عملکرد سامانه "نانینو" و تأخیر در پرداخت وجه نان از جمله موضوعات اعتراضات نانوایان است. دریافت دستمزد متناسب با ساعات کاری طولانی (بیش از ۱۰ تا ۱۳ ساعت در روز)، اجرای مزایای برحق شغلی و به‌رسمیت شناختن شغل نانواپی به‌عنوان مشاغل سخت به دلیل بیماری‌های ناشی از کار مانند آرتروز و واریس از جمله خواست‌های فوری نانوایان است. نانوایان مشهد در اعتراض به بی‌پاسخ ماندن خواست‌های خود تهدید به اعتصاب کرده و شعار می‌دادند: "حقمون پرداخت نشه، نونوایی تعطیل میشه".

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ آبان ۱۴۰۴ - ۲۷ اکتبر ۲۰۲۵

تجمع پرستاران کرمانشاه و تهدید به اعتصاب و اخباری دیگر

تجمع پرستاران کرمانشاه

امروز پنجم آبان‌ماه پرستاران در کرمانشاه برای چندمین بار و به مناسبت روز پرستار مقابل ساختمان این دانشگاه علوم پزشکی تجمع کردند تا صدای اعتراضشان را به مشکلات کاری و معیشتی و خلف وعده‌ها اعلام کنند. سطح نازل حقوقها، فشار سنگین کاری، عدم پرداخت اضافه‌کاری و کارانه یک سال گذشته خشم و اعتراض پرستاران را شدت داده است. در این حرکت اعتراضی پرستاران اعلام کردند که تا زمانی که معوقات مزدی آنها پرداخت نشود و خواست‌هایشان جواب نگیرد به اعتراضات خود ادامه داده و تهدید به اعتصاب کردند.

اعتراض کارمندان بهزیستی تبریز

صبح روز ۴ آبان‌ماه جمعی از کارکنان اداره کل بهزیستی آذربایجان شرقی در اعتراض به سطح نازل حقوقها و تبعیض در صدور احکام کارکنان و فشارهای سنگین کاری دست از کار کشیدند و در محوطه این اداره تجمع کردند.

تجمع اعتراضی خانواده‌های بیماران "دوشن"

روز چهار آبان خانواده‌های بیماران دوشن در اعتراض به مشکلات درمانی عزیزان بیمار خود مقابل وزارت بهداشت و سازمان غذا و دارو تجمع کردند. خانواده‌های معترض فریاد می‌زدند "داروی ما را وارد کنید، جان بچه‌های ما بازیچه نیست!"، "ماه‌هاست داروی آگامری در کشور نیست و کودکان مبتلا هر روز ضعیف‌تر می‌شوند".

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ آبان ۱۴۰۴ - ۲۷ اکتبر ۲۰۲۵

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

در باره نقض حکم اعدام کارگر زندانی عباس دریس

فرشته تابانیان خبر داده است که حکم اعدام عباس دریس، کارگر زندانی و از بازداشت‌شدگان اعتراضات سال ۱۳۹۸ در ماهشهر، از سوی دیوان عالی کشور به اتهام «محرابه» نقض شده و پرونده وی برای رسیدگی مجدد به شعبه هم‌عرض ارجاع داده شده است.

عباس دریس، از شاهدان کشتار خونین نيزار ماهشهر در جریان اعتراضات آبان ۹۸، در تاریخ ۱۷ آذر ۱۳۹۸ به همراه برادرش محسن دریس توسط مأموران معاونت اطلاعات قرارگاه ابوالفضل عباس بازداشت شد. جمهوری اسلامی پس از چند سال، محسن دریس را از زندان آزاد کرد، اما عباس دریس را با دو اتهام همچنان در زندان نگه داشت. او در یکی از پرونده‌هایش به ده سال زندان محکوم گردید و حکم اعدامش نیز به اتهام «محرابه» صادر شد که اکنون خوشبختانه نقض شده است.

در سال‌های گذشته، اعتراضات و کارزارهای بسیاری برای آزادی عباس دریس شکل گرفته است. علی دریس، یکی از سه فرزند او، بارها در پیام‌هایی خطاب به افکار عمومی و نهادهای بین‌المللی برای نجات جان پدرش درخواست کمک کرده است. همچنین مادر پیر او که نابیناست یک ویدئو منتشر کرد و از همه خواست که کمک کنند تا فرزندش، عباس دریس، اعدام نشود.

عباس دریس، متولد سال ۱۳۵۲ و کارگر اداره برق شهر ممکو از توابع ماهشهر بود. او در جریان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ شرکت داشت و به همین دلیل توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی بازداشت شد.

پس از بازداشت، جمهوری اسلامی قتل یکی از نیروهای امنیتی خود را به عباس دریس نسبت داد و او را به قصاص محکوم کرد؛ حکمی که وی همواره رد کرده و هرگونه دخالت در این قتل را انکار نموده است. با وجود آن‌که خانواده مقتول او را بخشیده‌اند، دستگاه قضایی جمهوری اسلامی وی را همچنان به ده سال زندان محکوم کرد.

در دوران حبس عباس دریس، و پس از صدور حکم اعدام، همسرش، کفایه حزیوی، بر اثر فشارهای روحی دچار سکته مغزی شد و مدتی بعد جان خود را از دست داد.

کمیته بین‌المللی علیه اعدام ضمن ابراز خوشحالی از نقض حکم اعدام عباس دریس، خواستار رفع کامل اتهامات و آزادی بی‌قیدوشرط وی است. ما تا زمان رفع کامل اتهامات از عباس دریس، همچنان به تلاش‌های خود برای نجات و آزادی وی ادامه خواهیم داد.

کمیته بین‌المللی علیه اعدام

۱ آبان ۱۴۰۴ - ۲۳ اکتبر ۲۰۲۵

تشدید دستگیری فعالین کارگری - اجتماعی در ایران

۲۳ مهر حسین میربهری از فعالین برجسته و پر تلاش دفاع از کودکان کار و خیابان با هجوم نیروهای سرکوب به منزل خواهرش نادیا میربهری دستگیر شد. در این دستگیری تلفن همراه نادیا نیز ضبط شده و او هم به دادرسی مقدسی احضار شده است.

۲۱ مهر ۱۴۰۴ مأموران امنیتی و انتظامی ایدیه با هجوم به منزل کوکب بداعی به ضربوشتم این فعال صنفی معلمان و همسرش پرداختند و پس از تفتیش منزل، وسایل الکترونیکی آنها را ضبط کردند. طبق خبرها حال جسمی هر دو وخیم است و از دسترسی به خدمات درمانی مناسب محروم مانده‌اند.

سیسیل کولر عضو «فدراسیون ملی آموزش و فرهنگ نیروی کار فرانسه (FNEC FP-FO)» و ژاک پاریس، دبیرکل سابق همین سندیکا در بخش آموزش (SNFOLC)، از تاریخ ۷ مه ۲۰۲۲ (هفته اردیبهشت ۱۴۰۱) به‌عنوان گروگان در زندان به سر می‌برند. سندیکای شرکت واحد در بیانیه‌ای حمایتی از این دو فعال معلم که تنها جرمشان سفر به ایران و

دیدار با شماری از فعالین کارگری و معلم بوده، از صدور احکام سنگین زندان برای آنها خبر می‌دهد. طبق گزارشات آنها بر اساس اتهاماتی بی‌اساس که پیش‌تر نیز از سوی تشکل‌های کارگری در فرانسه و در سطح بین‌المللی رد و تکذیب شده است مجموعاً به ۶۳ سال زندان محکوم شده‌اند. گروگان‌گیری اتباع خارجی توسط جمهوری اسلامی بخشی از سیاست تروریسم اسلامی حکومت ایران است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی بازداشت و زندانی کردن این دو فعال معلم که چندین سال است در زندان به سر می‌برند و صدور احکام سنگین جدید برای آنان را قاطعانه محکوم می‌کند و بر آزادی فوری آنان تأکید دارد.

- مهدی فراچی شانددیز معلم زندانی از اول ماه مه روز جهانی کارگر امسال تاکنون در زندان است. او در این روز در تجمع معلمان تهران بازداشت شد. مهدی فراچی بیش از دوازده سال از عمرش را در دوره‌های مختلف با اتهامات سیاسی در زندان گذرانده است. مهدی فراچی در پنجم مهرماه در اعتراض به قتل خاموش سمیه رشیدی کارگر زندانی که در زندان قرچک که به‌خاطر محرومیت از دارو و درمان جاننش را از دست داده بود، اعلام اعتصاب کرد. او با اعتصاب خود صدای اعتراضش را به شرایط جنایت‌کارانه زندان قرچک بلند کرد و خواهان آزادی فوری زندانیان بیمار و رسیدگی به وضعیت پزشکی آنان شد. او همچنین یکی از امضاکنندگان بیانیه سی نفر از زندانیان سیاسی در زندان اوین در همین رابطه بود.

کمپین از تمامی نهادهای کارگری و انسان‌دوست در سراسر جهان انتظار دارد که این دستگیری‌ها و گروگان‌گیری‌های تروریستی حکومت اسلامی را محکوم و برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران و پایان دادن به سرکوبگری‌های حکومت که رکورد اعدام دارد در هر سطحی که می‌توانند تلاش کنند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۳۰ مهر ۱۴۰۴، ۲۲ اکتبر ۲۰۲۵

Shahla.daneshfar2@gmail.com

FREE THEM NOW

CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN



HOSEIN MIRBAHARI MEHDI FARAH SHANDIZ KOKAB BODAGHI



JAQUES PARI CÉCILE KOHLER

FREE ALL JAILED LABOUR
ACTIVISTS IN IRAN NOW!

ISLAMIC REGIME OF IRAN OUT OF ILO

حسین میربهراری فعال برجسته کودکان کار و خیابان همچنان در بازداشت است



حسین میربهراری از فعالین برجسته و پر تلاش دفاع از کودکان کار و خیابان در صبح چهارشنبه ۲۳ مهر بازداشت و همچنان در زندان است. او در جریان هجوم مأمورین امنیتی حکومت به منزل خواهرش نادیا میربهراری، بازداشت و همراه با وی گوشی نادیا نیز ضبط شده و به او گفته شده که وی نیز باید خود را به دادسرای مقدسی معرفی کند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی حمله ددمنشانه سرکوبگران حکومت

برای دستگیر حسین میربهراری و پیگرد خواهر وی نادیا میربهراری را به شدت محکوم می‌کند. حسین میربهراری باید فوراً و بدون قیدوشرط آزاد شود و خواهر وی از هر گونه تهدید امنیتی‌ای مصون بماند. این دستگیری‌های ددمنشانه و احضار باید فوراً خاتمه یابد.

حسین میربهراری از بیماری‌های متعددی رنج می‌برد و بازداشت وی خطر جانی برای او دارد. حکومت در قبال جان او مسئول است.

حسین میربهراری بیش‌تر نیز در ۳۱ خردادماه نیز بازداشت و پس از تحمل ۳۰ روز حبس انفرادی با قرار وثیقه آزاد شده بود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی از همه نهادهای کارگری، مدافع حقوق کودک و نهادهای انسان‌دوست درخواست دارد که با اعلام انزجار خود از این دستگیری‌ها و اعلام حمایت از حسین میربهراری بر آزادی فوری و بدون قیدوشرط این فعال مدافع حقوق کودکان کار و خیابان و تمامی زندانیان سیاسی تأکید کنند.

درحالی که اعتراضات بر سر معیشت و علیه سرکوب و اعدام در سطح جامعه گسترده است، حکومت در هراس از سر بلندکردن قدرتمندتر اعتراضات مردمی به سرکوبگری‌هایش شدت داده و دست به دستگیری‌های بیشتری می‌زند. دفاع از زندانیان سیاسی و خانواده‌هایشان امر مبارزاتی فوری ما مردم است. با قدرت مبارزاتمان برای آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانی سیاسی بکوشیم و بر این سرکوبگری‌ها پایان دهیم. کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۳۰ مهر ۱۴۰۴، ۲۲ اکتبر ۲۰۲۵

صدها میلیارد دلار را حکومت صرف تأسیسات اتمی و موشکی و نیروهای نیابتی کرد تا هم در منطقه جنایت کند هم در داخل علیه مردم قدرت‌نمایی کند. از نظر اقتصادی نیز این هزینه‌های نجومی حاصل زحمات! آقازاده‌ها و آیت‌الله‌ها و انگل‌های حاکم نبود. از سفره مردم دزدیدند و رمق زندگی مردم را کشیدند تا این مخارج و همین‌طور حقوق‌های نجومی و دزدی‌ها و هزینه مؤسسات مذهبی و سرکوب را تأمین کنند.

اکنون هزینه بازسازی این تأسیسات نابود و تخریب‌شده را بار دیگر قرار است از سفره مردم تأمین کنند. باید جلواش ایستاد. اعلام کنیم که تمام این بودجه‌ها تا ریال آخرش باید قطع شود. کل بودجه باید صرف رفاه مردم شود. مردم نه موشک می‌خواهند نه نیروی نیابتی و نه تأسیسات اتمی و غنی‌سازی اورانیوم. مردم غنی‌سازی زندگی بر باد رفته‌شان را می‌خواهند. لغو این هزینه‌ها را به گفتمان‌ها و شعارها و بیانیه‌هایمان اضافه کنیم و اعلام کنیم: نه به غنی‌سازی اورانیوم. زنده باید غنی‌سازی زندگی!

غنی‌سازی زندگی، حق مسلم ماست

معیشت، منزلت، حق مسلم ماست

از خوزستان چه خبر؟

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۱۸ مهر-۵ آبان ۱۴۰۴

دوشنبه ۵ آبان:

- بازنشستگان مخابرات علیه وضع اسفناک معیشتی و پاسخ نگرافتن مطالبات خود یکی دیگر از دوشنبه‌های اعتراضات سراسری خود را برگزار کردند. در این روز بازنشستگان مخابرات در اهواز نیز تجمع داشتند.

یکشنبه ۴ آبان:

- بازنشستگان تأمین اجتماعی در یکی دیگر از یکشنبه‌های اعتراضی سراسری خود علیه فقر و بی‌تامینی و مشکلات معیشتی‌شان در شوش و اهواز تجمع داشتند. در شوش بازنشستگان مثل هر هفته از شهرهای کرخه و هفت‌تپه و شوش گردآمده بودند و فریدون نیکوفرد یکی از بازنشستگان طی سخنانی علیه محرومیت از بیمه درمانی و بیمه ناکارآمد آتیه‌سازان سخنرانی کرد و بر اینکه امروز خط فقر پنجاه میلیون است، اما هزینه درمان از این بالاتر است، تأکید کرد و صدای اعتراض بازنشستگان را بازتاب داد. در اهواز بازنشستگان تأمین اجتماعی در برابر این سازمان تجمع کردند و شعار می‌دادند "اجرای ماده ۹۶ حق مسلم ماست". بازنشستگان تأمین اجتماعی بیمه تکمیلی را قبول ندارند و می‌گویند که طبق قانون الزام سازمان تأمین اجتماعی، باید از کلیه هزینه‌های دارویی و درمانی در مراکز ملی سازمان تأمین اجتماعی به‌صورت رایگان بهره‌مند شوند.

- نیروهای امنیتی زندان شیبان اهواز، هشت زندانی عقیدتی را که در اعتصاب غذا به سر می‌برند، به سلول‌های انفرادی انتقال داده‌اند. این زندانیان در اعتراض به "عدم برخورداری از بخشودگی و مرخصی درمانی" از ۲۸ مهر ۱۴۰۴ دست به اعتصاب زده بودند.

- بنا بر خبرهای منتشر شده در پی چهار روز اعتصاب و تجمع شمار زیادی از کارگران کشاورزی - صنعتی نیشکر هفته در استان خوزستان در اعتراض به وضعیت بد معیشتی خود و فساد در مدیریت مقام‌های قضایی برای تعدادی از کارگران اعتصابی احضاریه صادر کرده‌اند. ساجد آل‌کنیر، ستار پورموسوی، و ناجی اسدی از جمله کارگرانی هستند که احضار شده‌اند. این احضارها چند ساعت پس از آن انجام شدند که یکی از مدیران شرکت نیشکر هفت‌تپه ضمانت کرده بود که به مطالبه آنان رسیدگی خواهد شد و درعین حال کارگران به دلیل اعتصاب و تجمع با برخورد امنیتی مواجه نخواهند شد.

شنبه ۳ آبان:

- کارگران نیشکر هفت‌تپه در اعتراض به تعطیلی سالن غذاخوری شرکت و کاهش مبلغ حق غذا و گرانی‌های سرسام‌آور و مشکلات معیشتی خود دست به اعتصاب زده و راهپیمایی کردند. اعتراضات این کارگران از چهارشنبه سی‌ام مهرماه آغاز شد. نیشکر هفته تپه یک کانون داغ اعتراضات کارگری است و به میدان آمدن دوباره آنها توجه‌ها را به خود جلب کرده است.

- کارگران شرکت توزیع برق اهواز در اعتراض به دستمزدهای نازل و مشکلات حاد معیشتی در مقابل ساختمان اداری این شرکت دست به تجمع زدند.

- اداره کل حفاظت محیط‌زیست خوزستان در این روز هوای ده شهر خوزستان را آلوده اعلام کرد. طبق این گزارش هوای اهواز، کارون و خرمشهر در این روز در وضعیت ناسالم و قرمز و بقیه شهرها برای

گروه‌های حساس ناسالم بود. تخریب محیط‌زیست که آلودگی کشنده هوا و بحران آب و برق در جامعه شده است هر روزه از مردم قربانی می‌گیرد. خصوصاً این معضل بزرگ مردم است. اعتراضات علیه تخریب جنایت‌کارانه محیط‌زیست گسترده است و در خوزستان نهادهای مردمی بسیاری در این عرصه از مبارزه فعال‌اند. به این اعتراضات وسیعاً پیوندیم.

- محمد باوی، زندانی عقیدتی در زندان شیبان اهواز، پس از عمل جراحی تومور شکمی به‌خاطر نگاهداری در شرایط نامناسب زندان و بهداشت بسیار پایین زندان‌ها دچار عفونت شدید و باز شدن بخیه‌هایش شده است. وضعیت جسمانی او بحرانی گزارش شده و مسئولان زندان از اعزام فوری‌اش به بیمارستان خودداری می‌کنند. محرومیت از دارو و درمان یک جنایت سیستماتیک در زندان‌ها توسط جمهوری اسلامی است. محمد باوی باید فوراً آزاد و تحت معالجه و درمان قرار گیرد.

- بنا بر گزارشات در اعتراض به وضع محمد باوی برادر وی علی باوی دست به اعتصاب غذا زده است. در عکس‌العمل به این اعتراض مقامات جنایت‌کار زندان علی باوی را به قرنطینه منتقل کرده و محمد باوی را به‌جای اعزام به بیمارستان به بند ۵ انتقال داده‌اند. محمد و علی باوی از دی‌ماه ۹۸ در بازداشت به سر می‌برند و با احکام صادره از دادگاه انقلاب اهواز در مجموع به هشت سال زندان محکوم شده‌اند.

- کارگران نیشکر هفت‌تپه در اعتراض به تعطیلی سالن غذاخوری شرکت و کاهش مبلغ حق غذا و گرانی‌های سرسام‌آور و مشکلات معیشتی خود دست به اعتصاب زده و راهپیمایی کردند. اعتراضات این کارگران از چهارشنبه سی‌ام مهرماه آغاز شد.

- کارگران شرکت توزیع برق اهواز در اعتراض به دستمزدهای نازل و مشکلات حاد معیشتی در مقابل ساختمان اداری این شرکت دست به تجمع زدند.

جمعه ۲ آبان:

- ناظم برپهی، زندانی سیاسی محکوم به حبس ابد، به دلیل اعتراض به تبعیض‌ها در زندان به‌صورت تنبیهی، به سلول انفرادی زندان شیبان اهواز منتقل شد.

پنجشنبه ۱ آبان:

- بیش از صد و پنجاه نفر از کارگران شاغل در نیشکر هفت‌تپه در اعتراض به تعطیلی سالن غذاخوری شرکت و کاهش مبلغ حق غذا و بدتر شدن وضعیت معیشتی خود با توجه به گرانی‌های سرسام‌آور در محوطه شرکت دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

- آب رودخانه "کارون"، بلندترین و پرآب‌ترین رودخانه کشور به لحاظ آلودگی به وضعیت بحرانی رسیده است. فرهاد قلی‌نژاد معاون محیط‌زیست انسانی خوزستان در این روز از شناسایی ۳۱۱ نقطه تخلیه فاضلاب در رودخانه‌های این استان خبر داد. به گفته وی وضعیت آلودگی رودخانه‌های استان، به‌ویژه کارون در محدوده اهواز قرمز است و مصوبات محیط‌زیستی برای نجات رودخانه‌ها متوقف شده است.

چهارشنبه ۳۰ مهر:

- زیر فشار اعتراضات گسترده علیه اعدام‌ها شعبه اول دیوان عالی کشور درخواست اعاده دادرسی در پرونده عباس دریس از

همچنان بدون امکان ملاقات و اطلاع از وضعیت حقوقی، در بند ۸ زندان شیبان اهواز در بلا تکلیفی نگهداری می‌شود. روح‌الله کرکی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

جمعه ۲۵ مهر:

- یک کیان پیرفلک دیگر! ننگ و نفرت بر جنایت کاران حاکم. ذوالفقار شریفی، کودک ۷ ساله عرب اهل روستای «بیت گوار» در شهرستان هویزه، شامگاه بر اثر شلیک مستقیم نظامیان حکومتی به خودروی شخصی خانواده‌اش به قتل رسید. بنا بر گزارشات در پی این تیراندازی خواهر ۹ ساله او نیز به شدت زخمی شده است. گفته می‌شود به دلیل اینکه خودروی این خانواده پلاک نداشته پلیس مشکوک شده و بعد از یک ایست دادن شلیک می‌کند. اما بعد معلوم می‌شود که سرنشینان آن یک خانواده چهار نفره هستند که از شهر بازی برمی‌گردند و ماشین به دلیل صافکاری پلاک نداشته‌اند و در جریان آن جان این کودک گرفته می‌شود. جنایتی که یادآور قتل کیان پیرفلک در جریان انقلاب زن زندگی آزادی است و مردم می‌گویند: "از ایزده تا هویزه، تکرار فاجعه کیان".

آتش به اختیاران حکومت که خود را در حلقه محاصره مردم می‌بینند از سایه خود نیز وحشت دارند و بدین گونه چشم‌پسته تیراندازی می‌کنند و جان می‌گیرند.

پنجشنبه ۲۴ مهر:

بامداد این روز دو زندانی به اسامی محمد نعیمی، اهل اهواز و کاظم امیدی اهل دشت آزادگان به دار آویخته شدند. محمد نعیمی ۶ سال پیش و کاظم امیدی ۷ سال پیش به اتهام قتل بازداشت و به اعدام محکوم شده بودند. این زندانیان قربانیان این سیستم سرپا فقر و بی‌تامینی و تبعیض و نابرابری و جهنمی هستند که جمهوری اسلامی بر پا کرده است. اعدام‌ها در ایران سیاسی است و حکومت بر شمار اعدام‌ها افزوده است تا جامعه را عقب بزند. به جنبش علیه اعدام پیوندیم.

چهارشنبه ۲۳ مهر:

- حسن ساعدی، فعال فرهنگی اهل اهواز، در پی ضرب و شتم شدید نیروهای امنیتی در بازداشتگاه اداره اطلاعات اهواز جان خود را از دست داد. طبق گزارشات منابع محلی پیکر او در این روز به خانواده‌اش تحویل داده شده است.

- جمعی از متقاضیان طرح ملی مسکن فازهای ۱ تا ۳ استادان اهواز، در اعتراض به تأخیر در واگذاری واحدها و اختلاس‌گری‌های حاکم با فریاد " وعده وعید نمی‌خواهیم مسکن ملی می‌خواهیم" در مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند.

سه‌شنبه ۲۲ مهر:

- کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» هفته نود خود را پشت سر گذاشت و در ۵۲ زندان برگزار شد. سه‌شنبه‌های نه به اعدام در اعتراض به مجازات شنیع اعدام و افزایش شمار اعدام‌ها و صدور احکام مرگ جدید و ادامه سرکوبگری‌های حکومت صورت می‌گیرد. زندانیان در زندان‌های شیبان اهواز، سپیدار اهواز (بند زنان و مردان) و زندان بهبهان از جمله شرکت‌کنندگان در این کارزار هستند.

- ایمان خدزی، شهروند ساکن مسجد سلیمان، بیش از ۷ ماه (۲۲۴ روز) است که به صورت بلا تکلیف در زندان آبادان است. تاکنون هیچ رسیدگی به پرونده او انجام نشده است.

دوشنبه ۲۱ مهر:

- بازنشستگان مخابرات در شهرهای مختلف علیه وخیم‌تر شدن هر روزه زندگی و معیشت خود و بساط اختلاس‌گری‌های سهام‌داران عمده شرکت تجمع و راهپیمایی کردند. این بازنشستگان در اهواز نیز تجمع

بازداشت‌شدگان خیزش مردمی در سال ۹۸ و تنها شاهد کشتارهای حکومت در نیزارهای ماهشهر را پذیرفت. در نتیجه حکم جنایت کارانه اعدام او با اتهام "محاربه" عجالتاً نقض شده است و تصمیم به دادگاه هم عرض ارجاع شده است.

- کارگران نیشکر هفته تبه در اعتراض به مبلغ ناچیز حق غذا که روزانه ۶۰ هزار تومان برای هر کارگر تعیین شده، و به تأخیر در پاداش‌ها و سایر مزایای عرفی و قانونی خود که باید به‌موقع و بدون تأخیر پرداخت شود، دست به اعتراض زدند.

سه‌شنبه ۲۹ مهر:

- کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام در ۵۲ شهر کشور از جمله در زندان‌های شیبان اهواز، سپیدار اهواز (بند زنان و مردان) و زندان بهبهان در خوزستان جریان یافت. در سرسخن بیانیه هفتگی اعضای این کارزار چنین آمده است: "کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» در حالی وارد نود و یکمین هفته خود می‌شود که زندانیان واحد ۲ زندان قزل حصار پس از یک هفته اعتصاب غذا و با شعار «نه به اعدام» علیه اعدام‌های گروهی و سرکوب‌های حکومت ایستادگی کردند و توانستند شش تن از هم‌پندیانشان را که برای اعدام به انفرادی برده بودند به بند بازگردانند.

- محمد زمان کامروا از بازنشستگان اهواز و معترض به وضعیت فلاکت‌بار موجود، با قید وثیقه یک میلیارد تومانی آزاد شد. وثیقه یک اخاذی آشکار و بخشی از سرکوبگری حکومت و بازنگهداشتن پرونده‌های امنیتی بالای سر فعالین کارگری - اجتماعی است. پرونده امنیتی محمد زمان کامروا باید بسته و وثیقه او بازگردانده شود.

- پرستاران در اهواز در اعتراض به مشکلات کاری و معیشتی خود و خلف وعده‌ها تجمع کردند به گفته پرستاران ۹ ماه است که تعرفه‌های آنان پرداخت نشده و حقوق بسیاری از آنها حتی به بیست میلیون تومان هم نمی‌رسد و باتوجه به گرانی‌های روزافزون به‌هیچ‌وجه کفاف زندگی آنها را نمی‌کند. فشار سنگین کاری و اضافه‌کاری‌های اجباری از دیگر موضوعات اعتراضی آنها است. در این اعتراضات پرستاران با شعار "تورم دلاریه حقوق ما ریالیه" صدای اعتراض خود را به سطح نازل حقوقها بلند کردند.

دوشنبه ۲۸ مهر:

- بازنشستگان مخابرات علیه وضع اسفناک معیشتی و پاسخ نگرفتن مطالباتشان یکی دیگر از دوشنبه‌های اعتراضی خود را برگزار کردند. بازنشستگان مخابرات در اهواز هر هفته در این تجمعات شرکت دارند.

یکشنبه ۲۷ مهر:

- بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد همچون یکشنبه‌های گذشته در اعتراض به فقر و گرانی، تبعیض و نابرابری و علیه سرکوبگری‌های حکومت و بساط دزدی و چپاول حاکم در چندین شهر تجمع کردند. در این روز بازنشستگان تأمین اجتماعی در چندین شهر از جمله در اهواز و شوش تجمع داشتند. در اهواز بازنشستگان مقابل تأمین اجتماعی تجمع و در بنزهای اعتراضی خود بر اتحاد و همبستگی تأکید داشتند. این بازنشستگان شعار می‌دادند: "هزینه‌ها دلاریه، حقوق ما ریالیه"، و "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست".

در شوش بازنشستگان از کرخه، هفت تبه و شوش گردآمده بودند و تجمع و راهپیمایی کردند. این بازنشستگان شعار می‌دادند: "سفره بی‌نان ما چه می‌خواهی از جان ما"، "روسری را رها کن فکری به حال ما کن"، "بانک رفاه مال ماست، حاصل دسترنج ماست"، "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی، ننگ بر این بردگی"، و "از خوزستان تا گیلان، مرگ بر این مدیران".

شنبه ۲۶ مهر:

- روح‌الله کرکی، شهروند اهل اندیمشک پس از دو ماه بازداشت،

داشتند. حقوقهای نازل، محرومیت از درمان رایگان و بساط چپاول و دزدی سهامداران عمده شرکت از جمله موضوعات مورد اعتراض این بازنشستگان است. افزایش حقوقها به بالای نرخ سبد معیشتی، درمان رایگان، پایان دادن به بساط سرکوبگریها و چپاول و دزدی حاکم مطالبات سراسری بازنشستگان است. مطالبات فوری بازنشستگان مخابرات عبارتند از: اجرای آیین نامه ۸۹، همسان سازی حقوق با هم تران شغلی و افزایش سطح حقوقها، پرداخت مابه التفاوت مزایای رفاهی، ذخیره مرخصی، سهم صندوقهای پس انداز و اجرای رأی وحدت رویه ۹۲۳۵ و اصلاح درمان تکمیلی و رفع تأخیر در بازپرداخت هزینهها.

- محمدزمان کامروا، بازنشسته سازمان تأمین اجتماعی ساکن اهواز، در این روز توسط نیروهای اطلاعات سپاه بازداشت شد. بازنشستگان در اهواز با فریاد محمد زمان کامروا آزاد باید گردد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد خواهان آزادی فوری و بدون قیدوشرط وی شدند.

شنبه ۱۹ مهر:

- بنا بر اخبار منتشر شده در این روز چند حادثه رانندگی در محورهای مختلف استان خوزستان خبرساز شد. انحراف یک دستگاه مینی بوس حامل کارگران در محور آبادان - بندر امام و مصدمیت ۱۴ نفر، برخورد شدید یک دستگاه سمند با تریلر در محور کوت سید نعیم - حمیدیه که چهار مصدوم برجای گذاشت؛ دو نمونه آن است. خستگی رانندگان، فرسودگی وسایل نقلیه و امنیت پایین جادههای روستایی و صنعتی از جمله عوامل حوادث مرگبار در جادهها هستند.

جمعه ۱۸ مهر:

اخبار حکومتی از بحرانی جدی در ایمنی جادههای خوزستان گزارش می دهند. اما جادههای ناامن نه فقط در خوزستان بلکه در سطح کشور هر روزه قربانی می گیرد و مسبب آن حکومت مافیایی حاکم و چپاولگریهایش است. حکومتی که برایش جان انسانها ارزشی ندارد. طبق گزارشات محور آبادان - بندر امام از پرتددترین مسیرهای کارگری جنوب خوزستان است. هر روز صدها مینی بوس، اتوبوس و وانت، کارگران پالایشگاهها و صنایع پتروشیمی را در این مسیر جابه جا می کنند و هر روز اخبار تصادفات به خاطر ناامنی این جاده رسانه ای می شود.

محور کوت سید نعیم - حمیدیه نیز یکی دیگر از مسیرهای پرتدد و آمد شهرستان اهواز است که در آن تردد خودروهای سنگین بالاست. نبود شانه ایمن، کم عرض بودن جاده و تاریکی بخشهایی از مسیر در شب، عوامل خطرآفرین در این جاده است. جادههای ناامن و ماشینهای اسقاطی حمل و نقل از جمله موضوعات اعتراضی کارگران و مردم در خوزستان است.

محور کوت سید نعیم - حمیدیه نیز یکی دیگر از مسیرهای پرتدد و آمد شهرستان اهواز است که در آن تردد خودروهای سنگین بالاست. نبود شانه ایمن، کم عرض بودن جاده و تاریکی بخشهایی از مسیر در شب، عوامل خطرآفرین در این جاده است. جادههای ناامن و ماشینهای اسقاطی حمل و نقل از جمله موضوعات اعتراضی کارگران و مردم در خوزستان است.

محور کوت سید نعیم - حمیدیه نیز یکی دیگر از مسیرهای پرتدد و آمد شهرستان اهواز است که در آن تردد خودروهای سنگین بالاست. نبود شانه ایمن، کم عرض بودن جاده و تاریکی بخشهایی از مسیر در شب، عوامل خطرآفرین در این جاده است. جادههای ناامن و ماشینهای اسقاطی حمل و نقل از جمله موضوعات اعتراضی کارگران و مردم در خوزستان است.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری
۲۸ مهرماه ۱۴۰۳ - ۲۰ اکتبر ۲۰۲۵

در این روز نیز بازنشستگان تأمین اجتماعی در چندین شهر از جمله در اهواز و شوش و شوشتر در اعتراض به فقر و گرانی و مشکلات معیشتی خود تجمع کردند. در اهواز بازنشستگان مقابل ساختمان اداره کل این سازمان در استان خوزستان تجمع داشتند و در اعتراض به دستگیری همکار خود محمدرضا کامروا و سرکوبگریهای حاکم شعار می دادند "معترض زندانی آزاد باید گردد"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "بازنشسته زندانی آزاد باید گردد" و "محمدزمان کامروا آزاد باید گردد". محمدرضا کامروا یکی از بازنشستگان معترض روز شنبه ۲۰ مهر ۱۴۰۴ توسط مأموران اطلاعات سپاه اهواز بازداشت شده است. دیگر شعارهای بازنشستگان تأمین اجتماعی در اهواز عبارت بودند از: "نگاه پشت شیشه، جواب ما نمیشه"، "مسئول بی لیاقت استعفا، استعفا"، و "فقط کف خیابون به دست میاد حقمون". در پایان این تجمع بازنشستگان با سردادن سرود "زیر بار ستم نمی کنیم زندگی، جان فدا می کنیم در ره آزادی" کل بساط چپاول و بردگی حاکم را به چالش کشیدند.

یکشنبه ۲۰ مهر:

در شوش بازنشستگان همچون هفتههای گذشته از سه شهر کرخه، هفت تپه و شوش گردآمده بودند و شعار می دادند "هزینهها دلاریه حقوق ما ریالیه"، "معیشت منزلت حق مسلم ماست"، و "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن". بازنشستگان با فریاد "درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید" کل جامعه را به پیوستن به صف اعتراضات خود فراخواندند.

بازنشستگان فولاد برای پیگیری مطالبات خود برای برپایی تجمعی

زنده باد انقلاب انسانی برای زندگی انسانی!

انقلاب زن زندگی آزادی یعنی اراده و عزم و تلاش همه جانبه ما مردم برای آزادی تشکل و تحزب و اعتصاب،

یعنی حق بی چون و چرای تک تک شهروندان به رفاه و امنیت و منزلت، یعنی برابری زن و مرد در تمام شؤونات

اجتماعی، یعنی آزادی پوشش و آزادی تفکر و آزادی بیان. همه اینها را بی کم و کاست ما با ادامه انقلابمان به

کرسی خواهیم نشاند و جامعه ای نمونه وار و آزاد را برپا خواهیم کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

مسئول فنی: سروناز سینایی

milad.rabei@gmail.com



انترناسیونال هر هفته دوشنبه‌ها

منتشر می‌شود



شماره حساب و تلفن‌های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3
Bankkontonummer: 9960264 1223793
IBAN: SE1095000099602641223793
BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli
Bankverbindung: Postbank
IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23
BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیسی ویژه کمک از انگلیسی و از هر کشور دیگر:

انگلیسی:

Bank: NatWest
Account holder: WPI
Account number: 45477981
Sort code: 60-24-23
IBAN: GB77NWBK60242345477981
BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

تماس از ایران

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

KANAL JADID
کانال جدید